

## توافق اتحادیه فلز با کارفرمایان -

نشانه هایی از اعتلای جنبش کارگری در کره جنوبی ۹

## پیشروی یا عقب نشینی؟

مقدمه

۶۸ پناه جو بجای هانوفر از يك دهكده سردرآوردند! ۱۶

اصابات اخطار آمیز و اعتراضات فلزکاران آلمان در اواخر آوریل و اوایل مه و دست آخر توافقات زیانبار رهبران اتحادیه فلز (IG Metall) با اتحاد کارفرمایان فلز، از رویدادهای بسیار مهمی است که به دلایل مختلف به ما پناهندگان و مهاجرین مربوط می شود و اطلاع از آن برای ما ضروری است. به بررسی از این دلایل نگاهی بیاندازیم:

تشکیلات سراسری ضد تِرلاد پرستی ۲۶

اولاً هر پیشروی یا عقب نشینی مهم جنبش کارگری در آلمان بسط یا تضییق حقوق دمکراتیک در جامعه - و از جمله حقوق مساهندگان و مهاجرین - رابطه دارد. به درجه ای که کارگران آلمان بتوانند در مقابل سرمایه داران و دولت حامیشان از حقوق اقتصادی و اجتماعی خویش دفاع نموده و با تکیه بر نیروی خود امتیازات بیشتری کسب نمایند، به همان درجه امکان تعرض سرمایه داران و دولتشان به اقشار و گروههای تحت ستم دیگر کاهش می یابد.

پراتیک ۶ ماهه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران ۶

به علاوه هر قدر کارگران در کسب حقوق خویش موفق تر باشند، به ضمان اندازه امکان بیشتری بوجود می آید تا حقوق انسانی و دمکراتیک سایر اقشار اجتماعی به شکل بارزتری در جامعه طرح گشته و بسط یابد.

پیرامون جلسه آقای گلشیری "میچاره فردوسی طوسی" ۲۳

ثانیاً خواست محوری مبارزات اخیر کارگران فلز، خواست ۳۵ ساعت کار در هفته بود و اجرای فوری این خواست می توانست تأثیرات بسیار مهمی بر کل جامعه آلمان بگذارد. اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته باعث می شد که تعداد قابل ملاحظه ای از بیکاران به سرکار بروند و با شرایط بهتری کنار کنند. بسیاری از ما که امروز ناگزیر به انجام کار سیاه و تن دادن به شدیدترین استثماریها هستیم، در صورت تحقق این خواست این امکان را می یافتیم که با معیارهای پذیرفته شده در جامعه آلمان به کار بپردازیم و از مزایای آن ( دستمزد بیشتر، بیمه، احتساب سابقه کار و ... ) استفاده نماییم.

نمونه ای از دهها هزار مورد مرگ کارگر ایرانی ۱۳

اما از موضوع تأثیر مبارزات اخیر کارگران فلز بر وضعیت پناهندگان و مهاجرین که بگذریم، این مبارزات و بویژه مبارزه برای تحقق خواست ۳۵ ساعت کار در هفته می تواند تأثیرات قابل ملاحظه ای بر جنبش کارگری آلمان و اروپا به طور اخص و جنبش کارگری جهان به طور اعم بگذارد.

مطالب دیگر در این شماره: ۱۷  
مرگ دخترش يك پناهنده يك تجربه موفق! ۱۱  
گرتانی بیداد می کند! ۱۲

تحقق خواست ۳۵ ساعت کار در هفته در صنعت فلز، می توانست مبارزات فی الحال موجود در بخشهای دیگر جنبش کارگری آلمان

مصاحبه با تشکل ها، جریانات و نیروهای مترقی و پیشرو (۳)

مصاحبه با Volksfront ۲۲  
تظاهرات بر علیه قانون خارجی ها ۱۴

ترکیه صحنه تظاهرات و اعتصابات گسترده در اول ماه مه ۱۰

جولیه اتحادیه به درخواست ما ۱۱

نتایج انتخابات در دو ایالت آلمان غربی ۲۱

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

فامه های رسیده ۲۵  
۱۳

۲

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

**توافق اتحادیه فلز با کارفرمایان - پیشروی یا عقب نشینی؟**

( از جمله کارگران پست و چاپ ) را برای کاهش ساعات کار به طور جدی تقویت کند و از این رهگذر در راه تعرض چند ساله سرمایه داری آلمان به دستاوردهای جنبش کارگری موانع مهمی بوجود بیاورد .

تحقق این خواست همچنین می توانست اثرات مثبتی بر جنبش کارگری اروپا و جهان بگذارد و کارگران سایر کشورهای را تشویق کند که با سرمنطق قرار دادن فلزکاران آلمان، مبارزه جدی-ترو پیگیری را در جهت کاهش ساعات کار هفتگی پیش ببرند .

تحقق ۳۵ ساعت کار هفتگی به ویژه در شرایط امروز اروپا، با توجه به نقشه های مربوط به اروپای متحد که می تواند منجر به یکان شدن شرایط کار در سراسر اروپا گردد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

زیرا اگر کارگران یک یا چند کشور بتوانند خواست ۳۵ ساعت کار هفتگی را قبل از به اجرا درآمدن نقشه های اروپای متحد به کرسی بنشانند، برای سرمایه داری اروپا در آینده بسیار مشکل خواهد بود که شرایط کاری را مطابق با بدترین شرایط کار در اروپا (مثلاً شرایط کار در کشورهای اسپانیا و پرتغال) به آنها تحمیل نمایند و بدین ترتیب جبهه کارگران در سراسر اروپا تقویت خواهد شد .

نکته جالب توجه این است که سرمایه داران فلز نیز به اهمیت موضوع مبارزه برای کاهش ساعات کار هفتگی کاملاً واقف بودند و آشکارا یادآور می شدند که مبارزه برای ۳۵ ساعت کار در هفته می تواند چراغ سبزی باشد برای کارگران سراسر اروپا .

بنابراین - بویژه در شرایط کنونی - مبارزات و اعتراضات اخیر کارگران فلز از یکسو و نتایج توافقات اتحادیه فلز با کارفرمایان از سوی دیگر در جنبش کارگری آلمان و اروپا از جایگاه ویژه ای برخوردار بود .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

با این مقدمه می پردازیم به بررسی مختصر نتایج واقعی تعرفه کار ( Tariffvertrag ) صنعت فلز در منطقه شمال آلمان و ورتمبرگ که در ۵ مه ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به امضاء رسید . این تعرفه هم از جانب کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز و هم از طرف اتحاد کارفرمایان فلز به اتفاق آراء تصویب شد . پس از آن و در فاصله کوتاهی این تعرفه به طور گسترده ای در مناطق دیگر نظیر استان نرد راین وستفالن، هسن، شمال غربی استان نیدرزاکسن و غیره نیز پذیرفته شد . به این ترتیب می توان نکات محوری این تعرفه را به عنوان توافقات کل اتحادیه فلز ( IG Metall ) با اتحاد کارفرمایان فلز به شمار آورد . و آنچه در این مقاله درباره این تعرفه ذکر شده، در وجوه اساسی آن برای توافقات اتحادیه فلز با اتحاد کارفرمایان فلز در سایر مناطق نیز صادق است .

لحن رهبران اتحادیه فلز به گونه ای بوده و هست که اگر کسی در جریان واقعی نتایج مذاکرات نباشد، گمان می کند که فی الواقع یک پیشرفت بزرگ در جنبش کارگری آلمان به وقوع پیوسته و اتحادیه فلز توانسته با این توافقات دستاوردهای بزرگی برای کارگران آلمان کسب نماید .

با هم نگاهی به مهمترین نکات این تعرفه بیاندازیم تا بدین طریق بتوانیم درباره این گونه تبلیغات رهبران اتحادیه فلز به شکل صحیحی تصاویر کنیم؛

**الف - ساعات کار هفتگی**

خواست ۳۵ ساعت کار در هفته یکی از خواسته های جا افتاده کارگری است که از مدت ها پیش در میان کارگران آلمان مطرح بوده است .

سابقه اولین دور مذاکرات بین اتحادیه فلز و اتحاد کارفرمایان صنعت فلز بر سر خواست ۳۵ ساعت کار در هفته به سال ۱۹۸۴ بازمی گردد . در سال ۱۹۸۷ نیز یک بار دیگر این خواست در مذاکرات مربوطه تعریف کار مورد بحث قرار خواهد گرفت .

بدین ترتیب مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم خواست ۳۵ ساعت کار هفتگی سالهاست که به یکی از مهمترین خواسته های کارگران آلمان - و بویژه کارگران فلز - تبدیل شده است .

همانطور که پیشتر متذکر شدیم، تأثیرات تحقق ۳۵ ساعت کار هفتگی از محدوده جنبش کارگری آلمان بسیار فراتر می رود و می تواند بی گمان اثرات مثبتی بر جنبش کارگری جهان به ضوراعم و جنبش کارگری اروپا به ضور احصای گذارد و کارگران سایر کشورهای را تشویق کند که در جهت کاهش ساعات کار هفتگی با جدیت و پیگیری بیشتری مبارزه نمایند .

علاوه بر این خواست در مذاکرات اخیر اتحادیه فلز با کارفرمایان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بود . قبل از آغاز آخرین دور مذاکرات، رهبران اتحادیه خواستار اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته برای کارگران بودند در حالیکه کارفرمایان فاطحانه این خواست را رد نموده و اصولاً هر نوع کاهش ساعات کار تا قبل از ۱۹۹۳ را منتفی دانسته و حتی از انجام مذاکره در این رابطه سر باز می زدند . به این ترتیب مواضع اعلام شده اتحادیه فلز و کارفرمایان چنان متفاوت بود که ظاهراً چشم انداز دستیابی به توافق در آخرین دور مذاکرات وجود نداشت .

در آن هنگام، رهبران اتحادیه فلز تأکید می کردند که آماده مبارزه در جهت تحقق خواست ۳۵ ساعت کار در هفته هستند و وعده می دادند که اگر مذاکرات در روز ۳ مه به نتیجه نرسد، کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز قطع مذاکرات را اعلام می کند و اتحادیه فلز حدود اواسط ماه مه دست زدن به اعتصاب را به رأی کارگران می گذارد . در این زمان اتحادیه های فلز در بایرن و در شمال آلمان آمادگی خویش برای اعتصاب را اعلام داشتند .

موازی با این روند، در اواخر آوریل و اوایل مه شاهد به صحنه آمدن گسترده کارگران فلز بودیم . کارگران در عرض یک هفته به

علاوه بر این خواست در مذاکرات اخیر اتحادیه فلز با کارفرمایان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بود . قبل از آغاز آخرین دور مذاکرات، رهبران اتحادیه خواستار اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته هستند و وعده می دادند که اگر مذاکرات در روز ۳ مه به نتیجه نرسد، کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز قطع مذاکرات را اعلام می کند و اتحادیه فلز حدود اواسط ماه مه دست زدن به اعتصاب را به رأی کارگران می گذارد . در این زمان اتحادیه های فلز در بایرن و در شمال آلمان آمادگی خویش برای اعتصاب را اعلام داشتند .

علاوه بر این خواست در مذاکرات اخیر اتحادیه فلز با کارفرمایان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بود . قبل از آغاز آخرین دور مذاکرات، رهبران اتحادیه خواستار اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته هستند و وعده می دادند که اگر مذاکرات در روز ۳ مه به نتیجه نرسد، کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز قطع مذاکرات را اعلام می کند و اتحادیه فلز حدود اواسط ماه مه دست زدن به اعتصاب را به رأی کارگران می گذارد . در این زمان اتحادیه های فلز در بایرن و در شمال آلمان آمادگی خویش برای اعتصاب را اعلام داشتند .

علاوه بر این خواست در مذاکرات اخیر اتحادیه فلز با کارفرمایان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بود . قبل از آغاز آخرین دور مذاکرات، رهبران اتحادیه خواستار اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته هستند و وعده می دادند که اگر مذاکرات در روز ۳ مه به نتیجه نرسد، کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز قطع مذاکرات را اعلام می کند و اتحادیه فلز حدود اواسط ماه مه دست زدن به اعتصاب را به رأی کارگران می گذارد . در این زمان اتحادیه های فلز در بایرن و در شمال آلمان آمادگی خویش برای اعتصاب را اعلام داشتند .

علاوه بر این خواست در مذاکرات اخیر اتحادیه فلز با کارفرمایان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بود . قبل از آغاز آخرین دور مذاکرات، رهبران اتحادیه خواستار اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته هستند و وعده می دادند که اگر مذاکرات در روز ۳ مه به نتیجه نرسد، کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز قطع مذاکرات را اعلام می کند و اتحادیه فلز حدود اواسط ماه مه دست زدن به اعتصاب را به رأی کارگران می گذارد . در این زمان اتحادیه های فلز در بایرن و در شمال آلمان آمادگی خویش برای اعتصاب را اعلام داشتند .

علاوه بر این خواست در مذاکرات اخیر اتحادیه فلز با کارفرمایان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بود . قبل از آغاز آخرین دور مذاکرات، رهبران اتحادیه خواستار اجرای فوری ۳۵ ساعت کار در هفته هستند و وعده می دادند که اگر مذاکرات در روز ۳ مه به نتیجه نرسد، کمیسیون تعرفه کار اتحادیه فلز قطع مذاکرات را اعلام می کند و اتحادیه فلز حدود اواسط ماه مه دست زدن به اعتصاب را به رأی کارگران می گذارد . در این زمان اتحادیه های فلز در بایرن و در شمال آلمان آمادگی خویش برای اعتصاب را اعلام داشتند .

توافق اتحادیه فلز با کارفرمایان - پیشروی یا عقب نشینی؟

بر اساس تعرفه ۵ مه مقرر شد که کاهش ساعات کار در سه مرحله انجام گیرد. در مرحله اول یعنی تا آوریل ۱۹۹۳ مطابق خواست سرمایه‌داران ساعات کار هفتگی همان ۳۷ باقی بماند. در مرحله دوم یعنی از اول آوریل ۱۹۹۳ تا اول اکتبر ۱۹۹۵، ۳۶ ساعت کار در هفته به اجرا درآید و بالاخره در مرحله سوم یعنی از اول اکتبر ۱۹۹۵ ۳۵ ساعت کار در هفته علی‌شود. بعلاوه توافق شد که از این پس سرمایه‌داران بتوانند ۱۸ درصد کل کارگران هر کارخانه را با ۴۰ ساعت کار در هفته (یعنی ۳

اعتصابات اختراآمیز و تظاهرات دست‌زدهند. استقبال کارگران از دعوت رهبران اتحادیه به اعتصاب اختراآمیز بسیار بیشتر از انتظار رهبران اتحادیه بود و آنها را غافلگیر کرد. استقبال گسترده کارگران از این اعتصابات اختراآمیز بخصوص از این جهت قابل توجه بود که اتحادیه بابت شرکت کارگران در این اعتصابات هیچگونه پولی به آنها پرداخت نمی‌کرد و این به معنای آن بود که کارگران ناگزیر بودند برای شرکت در این اعتصابات از بخشی از دست‌مزدشان صرف‌نظر نمایند. با این وجود حدود ۴۰۰



Metallerprotest bei Siemens in der Stresemannstraße

foto. v. appen

ساعت بیشتر از سایر کارگران) به کار وادارند. این سهم در تعرضهای مناطق هسن و شمال غربی نیدرزاکسن ۱۳ درصد است. اولاً مطابق با این توافق، تا سال ۱۹۹۳ هیچگونه ساعات کاری متحقق نخواهد شد و از این زاویه کارفرمایان یک موفقیت بزرگ به دست آوردند. Stumpfe رئیس اتحاد کارفرمایان صنعت فلز پس از انجام این توافقات بدستی اظهار می‌دارد: مهمترین هدف کارفرمایان همین بر اینکه تا سال ۱۹۹۳ هیچگونه کاهش زمان کاری صورت نگیرد، متحقق شد. به علاوه اگر خوب به مفاد تعرفه دقت کنیم متوجه می‌شویم که ساعات کار هفتگی تا آوریل ۱۹۹۳ نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش یافته است. زیرا اگر ۳ ساعت کار هفتگی اضافه ۱۸ درصد کارگران را نیز در نظر داشته باشیم، متوسط کار هفتگی تمام کارگران در منطقه شمال بادن وورتمبرگ ۳۷ ساعت و ۲۲ دقیقه و در مناطق هسن و شمال غربی نیدرزاکسن به ۳۷ ساعت و ۲۴ دقیقه افزایش یافته است!

هزار فلز کار دست به اعتصاب اختراآمیز زده، در خیابان‌ها به تظاهرات پرداختند و خواهان تحقق خواسته‌های ۳۵ ساعت کار هفتگی و ۸/۵ درصد اضافه دست‌مزد شدند. در این روزها دهها هزار نفر کارگر و از جمله ۵۰ هزار کارگر Daimler Benz خواستار یک مبارزه جدی با کارفرمایان شدند. آنها تاکید کردند که در صورت لزوم بایستی به اعتصاب واقعی (و نه اعتصاب اختراآمیز) دست زد. همچنین شعار ۳۵ ساعت کار در هفته در تظاهرات اول ماه مه فلزکاران سبز به وفور به چشم می‌خورد. اما وجود این پتانسیل مبارزاتی قابل ملاحظه در میان کارگران به جای آنکه به رهبران اتحادیه پشت‌گرمی بدهد، آنها را به وحشت انداخت و در حالیکه قبل از انجام آخرین دور مذاکرات، به نظر نمی‌رسید رهبران اتحادیه با نمایندگان کارفرمایان به توافق برسند، شتاب زده به عقب نشینی دست‌زده و از موضع شان پایین آمدند.

این امر نه تنها به بخشی از کارگران ۳ ساعت اضافه کاری در هفته را تحمیل می کند بلکه موجب دو دستی و رفابت در صفوف کارگران می شود. بدین ترتیب ۴۰ ساعت کار هفتگی بخشی از کارگران تبدیل به وسیله فشاری بر طبقه سایر کارگران - و بویژه کارگرانی که می خواهند تازه استخدام شوند - می گردد.

**ج - دستمزد**

علی سال گذشته، دستمزد واقعی و قدرت خرید کارگران به دلایل مختلف از جمله گرانی اجناس، افزایش مالیات ها و کاهش هزینه های رفاهی اجتماعی ( بیمه های درمانی و ... ) پایین آمده است. با توجه به این موضوع خواست اولیه اتحادیه مبنی بر افزایش ۸/۵ درصد به دستمزدها نیز خواستی ناکافی بود. اما رهبران اتحادیه حتی همین خواست را نیز نتوانستند پس به کرسی بنشانند و به افزایش تنها ۶ درصد به دستمزدها رضایت دادند.

به علاوه خواست دیگر اتحادیه مبنی بر اضافه حقوق حداقل ۲۰۰ مارک برای همه کارگران به کلی منتفی شد. از این بابت بیش از نهم کارگرانی که حقوق کمتری گیرند ( اغلب کارگران زن ) زیان دیدند.

بنابراین رهبران اتحادیه حتی در این زمینه نیز از خواسته های اعلام شده خویش عقب نشستند و منافع کارگران را نمایندگی نکردند. در مورد سایر زمینه ها از جمله اضافه کاری، استراحت و مرخصی به هنگام بارداری و تربیت کودکان نیز همانطور که در جدول ضمیمه همین مقاله منعکس شده هیچ تغییری مثبت مهمی در وضعیت کارگران داده نشده است.

**نتیجه گیری کنیم:** تعرفه منعقد شده در ۵ مه، برخلاف ادعای رهبران اتحادیه، هیچ وجهی منعکس کننده خواسته های کارگران نیست و رهبران اتحادیه با امضای چنین تعرفه ای عمده خواست های کارگران و هم به وعده های از قبل اعلام شده خویش، پشت نمودند.

رهبران اتحادیه فلز نه تنها از پانسلیل مبارزاتی کارگران و اعتراضات صدحا هزار نفره آنان در جهت سازماندهی یک مبارزه پیگیر استفاده نکردند بلکه از به صحنه آمدن کارگران جلوگیری نموده و با امضای شتاب زده این تعرفه، کارگران را در مقابل یک عمل انجام شده فرار دادند.

با توجه به واقعیات و فاکتورهایی که در بالا ذکر کردیم، می توان به این نتیجه رسید که تبلیغات رهبران اتحادیه مبنی بر اینکه موفقیتی بزرگ و رؤیایی بدست آورده اند، هیچگونه پایه ای در واقعیت ندارد و در واقع توافقات آنها گامی به پس و یک عقب نشینی محسوب می شود.

این تبلیغات قبل از هر چیز در خدمت لاپوشانی عقب نشینی های مفتضحانه و پشت نمودن رهبران اتحادیه به خواسته های فلز کاران می باشد.

۱۹ خرداد ۶۹

۱- در موقع اعتصاب یک مبلغی بجای دستمزد به کارگران اعطای می شود اتحادیه از طریق صندوق اتحادیه پرداخت میشود که به آن پول اعتصاب ( **Streikgeld** ) می گویند.

حتی پس از شروع آخرین مرحله مورد توافق در اول اکتبر ۱۹۹۵ دایر بر ۲۵ ساعت کار در هفته، متوسط ساعت کار هفتگی کسل کارگران منطقه شمال بادن وورتمبرگ ۳۵ ساعت و ۵۴ دقیقه ( تقریباً ۲۶ ساعت ) و مناطق هسن و شمال غربی نیدرزاکسن ۳۵ ساعت و ۲۹ دقیقه خواهد بود.

ثانیا تحقق فوری ۳۵ ساعت کار هفتگی می توانست تأثیرات محسوسی بر بازار کار و اشتغال بخشی از بیکاران بگذارد، در حالیکه در اثر مرحله بندی کاهش زمان کار و تعویق ۳۵ ساعت کار هفتگی تا سال ۹۵، نه تنها کارگران شاغل به خواستشان دست نیافتند، بلکه در وضعیت بیکاران نیز تغییر محسوسی پدید نمی آید. ثالثا و از همه مهمتر کارفرمایان می توانند در سال ۱۹۹۳ از علی نمودن کاهش ساعات کار سرپا زده و خواستار مذاکره مجدد حول این موضوع گردند. در یکی از صورت جلسه های ایمن مذاکرات این توافق درج شده که طرفین قرارداد می بایست در صورتی که یکی از طرفین قرارداد مایل باشد سه ماه قبل از سه درآمد هر مرحله مربوط به کاهش ساعات کار، به مذاکره در باره قابل اجرا بودن کاهش ساعات کار با در نظر داشتن وضعیت اقتصادی بپردازند. به عبارت دیگر کارگران در این تعرفه هیچ چیز تثبیت شده و تضمین شده ای در مورد کاهش ساعات کار هفتگی بدست نیاوردند!

**ب - انعطاف پذیری ساعات کار**

تحت عنوان "انعطاف پذیری ساعات کار سرمایه داران میکوشند نظم ساعات کار نرمال کارگران و کارمندان را در جهت نیازهای کارخانه به هم بزنند و هر زمان که خودشان مایل بودند کارگران را به کار بگذارند. کار در روزهای شنبه و یکشنبه، تقسیم نامساوی ساعات کار هفتگی در روزهای مختلف و کار در شرایطی که زمان آغاز و پایان کار از قبل تعیین نشده و قابل تغییر است، جزو موارد زیانبار "انعطاف پذیری ساعات کار"

است در این زمینه نیز رهبران اتحادیه هیچیک از خواسته های از قبل اعلام شده شان را به کرسی ننشاندند و در هیچیک از زمینه های تقسیم زمان کار به قسمت های ناساوی، کار در روزهای شنبه و یکشنبه و اضافه کاری بهبودی حاصل نشد و مقررات مربوطه غالباً به همان شکل مقررات سال ۱۹۸۷ باقی ماند و یا بدتر از سابق گردید. (رجوع کنید به جدول ضمیمه)

تعطیل روز شنبه که موضوع بسیاری از مبارزات و اعتراضات کارگری در سالهای اخیر بوده است، متحقق نشد. همچون سابق کار در روزهای شنبه می تواند با موافقت شورای کارخانه جزو روز کار هفتگی باشد. اما در این زمینه وضعیت حتی از سابق هم بدتر شده است. زیرا رهبران اتحادیه، کار شنبه را بی موضوع متوسط به امور داخلی کارخانه و امری که مشمول مفاد تعرفه کار نمی شود، تعریف کرده اند.

مفهوم علی چنین تعریفی این است که اتحادیه فلز از این پس نمی تواند از مبارزه کارگران کارخانه برای مخالفت با کار شنبه پشتیبانی کند. بدین ترتیب کارگران هر کارخانه ای به حال خود رها شده و مبارزه واحد فلزکاران برای تعطیل روز شنبه با موانع بسیاری روبرو می گردد.

نکته ای که قبلاً به آن اشاره شد یعنی اینکه درصد معینی از کسل کارگران از این پس ۴۰ ساعت در هفته به کار گماشته خواهند شد نیز یکی دیگر از اثرات زیان بار توافق اخیر است.

وضعیت قرارداد کار سابق	غواشته های اتحادیه فلز	غواشته های سرمایه داران	نتیجه تعرفه مورخ ۱۹۹۰-۵-۵
زمان کار برحسب قاعده ۳۷ ساعت در هفته اختلاف کار بین ۳۶ و ۳۹ ساعت در هفته ممکن است اما بیست متوسط کار هفتگی در کارخانه ۳۷ ساعت باشد	۳۵ ساعت در هفته برای همه ۳۴ ساعت در هفته برای هر تعداد درخواست کارگرانی، از هم اکنون تا قبل اجرا	۳۷ ساعت در هفته تا سال ۱۹۹۳ ۳۴ ساعت در هفته برای ۱۸ درصد از کل کارکنان، از هم اکنون تا قبل اجرا (بدرت از سابق ۱) ۳۶ ساعت در هفته از ۹۳،۴ (مراه با حق تذکره قبل از اجرا در آن) آن ۳۵ ساعت در هفته از ۱۰۰ (مراه با حق تذکره قبل از اجرا در آن) آن	۳۷ ساعت در هفته تا سال ۱۹۹۳ ۳۴ ساعت در هفته برای ۱۸ درصد از کل کارکنان، از هم اکنون تا قبل اجرا (بدرت از سابق ۱) ۳۶ ساعت در هفته از ۹۳،۴ (مراه با حق تذکره قبل از اجرا در آن) آن ۳۵ ساعت در هفته از ۱۰۰ (مراه با حق تذکره قبل از اجرا در آن) آن
انطباق پذیری زمین کار تقسیم نامساوی ساعات کار با حد اکثر ۱۰ ساعت در روز ۶ ماه برای جبران زمان کار تقسیم نامساوی زیاده کار از گذشته تا جمعه کار در گذشته برحسب قاعده با توافق شورای کارخانه ممکن است	۸ ساعت در روز و ۳۰ ساعت در هفته ۱۲ ماه (بر طبق توافق در کارخانه طولانی تر) در شب تا شنبه روز شنبه جزو روزهای رسمی کار باشد	۱۰ ساعت در روز ۱۲ ماه (بر طبق توافق در کارخانه طولانی تر) در شب تا شنبه روز شنبه جزو روزهای رسمی کار باشد	مثل سابق مثل سابق مثل سابق مثل سابق - با این شرط که اتحادیه فلز در موضوع کار شنبه ها دفاعت کند.
افزانه کاری برحسب قاعده حد اکثر تا ۱۰ ساعت در روز و ۴۵ ساعت در هفته ۱۰ ساعت در هفته، ۲ ساعت در ماه - بیش از این حد با توافق در کارخانه	حد اکثر ۱۰ ساعت در روز و ۴۵ ساعت در هفته مثل سابق مثل سابق	حد اکثر ۱۲ ساعت در روز و ۴۵ ساعت در هفته مثل سابق مثل سابق	حد اکثر ۱۲ ساعت در روز و ۴۵ ساعت در هفته (بدرت از سابق) مثل سابق
استراحت بدون قاعده ۳ دقیقه برای همه کارگرانی که در ۳ شیفت کاری است	هیچ خواسته ای هیچ خواسته ای	نداشتن استراحت مطلقه در جریان ماندن ماشینها حذف شود	مثل سابق مثل سابق
دستزد و حقوقی دستزد با یک کارگرانی: ۲۱۹۳ ۲۰۰ مارک - حداقل اضافه دستزد ۱۰۰ مارک برای کارآموزان	۸،۵ درصد اضافه دستزد ۲۰۰ مارک - حداقل اضافه دستزد ۱۰۰ مارک برای کارآموزان	۵ درصد اضافه دستزد هیچ پیشینگی مدت زمان: ۱۵ ماه	۶ درصد اضافه دستزد: از اول برنی ۹۰ ۲ مرتبه پرداخت ۲۱۵ مارک برای ماههای آوریل و مه حدود ۸۰ مارک برای کارآموزان مدت زمان: ۱۲ ماه
نقد کار بدون قاعده	هیچ خواسته ای تسهیلی کارخانه نیز حق شرکت در تمییز قواعد داشته باشد	بمدن قاعده	رعایت شود مع کار بر حسب "مذازین افغان"
برضی برای تربیت کودکان بیرون قاعده	برای یک بچه حداکثر ۷ سال - برای ۲ بچه حداکثر ۱۰ سال	بیرون قاعده	حق تربیت با استفاده مجدد - تا حد اکثر پنج بچه سال تربیت - ممکن است یک ملک کار مناسب ... با اختیار نباشد

جدول ضمیمه: نکات محوری توافق شده در تعرفه منطقه شمال بادن و ورتمبرگ - این جدول از نشریه Rote Fahne مورخ ۱۲ مه ۹۰ اقتباس شده و با تغییرات جزئی ترجمه گردیده است.



## پراتیک ۶ ماهه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران

بحث و نقد شرکت کردند و دو سازمان دیگر نیز ( هسته اقلیت و سوسیالیزم و انقلاب ) ضمن استقبال و تشکر از دعوت ما به سبب مشغله‌های دیگر از شرکت در آن جلسات عذر خواستند .

دعوت از احزاب، سازمانها، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی در رابطه با ارائه نظرات خود درباره " علل و نتایج تحولات شوروی و اروپای شرقی " این دور از مباحثات از ماه‌های آغاز می‌شوند .

★ در رابطه با پراتیک کمیته همبستگی در راستای مبارزه علیه قانون جدید خارجیها .

☆ کوشش در جهت شناساندن این قانون و مفاد آن به ایرانیان .

همکاری با سایر سازمانها و گروه‌های شرقی غیر ایرانی از جمله آلمانی، ترک و ... در جهت هماهنگ نمودن حرکات اعتراضی خود بر علیه این قانون .

☆ همکاری در برگزاری و شرکت در تظاهراتی که در روز شنبه ۲۷ ژانویه ۹۰ بر علیه قانون خارجیها در هانوفر به وقوع پیوست .

در این تظاهرات که دعوت کننده اصلی آن فعالین ماهنامه *Unsere St.* بودند، صدها نفر از ملیت‌های مختلف شرکت داشتند . و خبر آن در چند نشریه کشور آلمان و ترکیه از جمله روزنامه *Neue Presse* و روزنامه " حریت " به چاپ رسید .

در این تظاهرات یکی از اعضای کمیته، قطعنامه‌ای را که از طرف کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران تهیه شده بود، در جمع شرکت کنندگان در تظاهرات قرائت نمود .

☆ دعوت از یکی از وکلای شرقی آلمان به نام هانسر - یواخیم انگستر، در تاریخ ۹۰/۴/۶، به منظور روشن ساختن ابعاد کانون قانون خارجیها و تاثیرات این قانون بر روی سرنوشت و زندگی خارجیان در آلمان . این جلسه با پرسش و پاسخ و همچنین ترجمه سخنان آقای انگستر به زبان فارسی همراه بود .

☆ شرکت در کمیته برگزار کننده يك تظاهرات اعتراضی بر علیه تصویب نهایی قانون خارجیها توسط بوندسرات ( مجلس سنای آلمان ) در این تظاهرات که در تاریخ ۹۰/۵/۱۱ به وقوع پیوست، حدود ۲۵۰ نفر از ملیتهای مختلف ساکن در آلمان شرکت کردند . در پایان تظاهرات یکی از اعضای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران متنی را در گروهک به زبان آلمانی قرائت نمود که در آن سیاست‌های معاشات گرایانه SPD در مقابل قانون خارجیها افشا و محکوم شده بود .

☆ همکاری بخشی از اعضای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران با يك بلوک مستقل از نیروهای طرفدار حقوق خارجیها .

این بلوک با خواست " الغاء هر نوع قانون جداگانه‌ای برای خارجیها و حقوق مساوی برای همه " در تظاهراتی که به دعوت اتحادیه *DGB* بخش نیدرزاکسن و چند جریان دیگر که با خواست " يك قانون خارجیهای انسانی در مقابل يلك

در مجمع عمومی کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران، از هیئت هماهنگی خواسته شد که رئیس‌برخی از بهترین عملکردهای کمیته را هر ۶ ماه يك بار تدوین و در نشریه به چاپ برساند . هیئت هماهنگی نیز با تقبل این امر و در راستای ثبت تجارب و عملکردهای کمیته، بیلان زیر را تهیه و آن را در این شماره پویش در اختیار خوانندگان عزیز قرار میدهد .

نظری به برخی از بهترین عملکردهای ۶ ماهه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر - از آبان ماه ۱۳۶۸ تا اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ ( نوامبر ۸۹ تا مه ۹۰ ) .

★ نشر منظم ۶ شماره ماهنامه سیاسی - خبری پویش ارگان کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران .

ما در طی این ۶ ماه سعی کرده‌ایم که پویش ضمیمی باشد برای ارائه اطلاعات به پناهندگان و مهاجرین ایرانی، شناساندن احزاب سازمانها، جریانات و نهاد های ترقی خواه، کارگری فعال، در آلمان و به خصوص در هانوفر به ایرانیان با انگیزه هموار نمودن راه - همکاری و همراهی ایرانیان با این نیروها .

افشای گروه‌ها و دستجات دست راستی و فاشیستی و افشای عوامفریبیها و تبلیغات آنها علیه پناهندگان و مهاجرین، ترسیم و تشریح اقدامات دولتهای بازار مشترک به منظور توضیح حقوق پناهندگان و مهاجرین، انتشار و توزیع اخبار واقعی رویدادها، به ویژه اخبار جنبش کارگری و مبارزات توده‌های ایران بر علیه جمهوری اسلامی و اخبار مبارزات پناهندگان و مهاجرین و نیز کوشش در گزینش و برجسته نمودن آن بخش از اخبار جهانی که نوبی‌اوضاع واقعی دنیای امروز می‌باشند . افشای اپوزیسیون دست راستی ایرانی و مدافع بورژوازی . افشای روابط رژیم جمهوری اسلامی با سایر دول . بیان و افشای کوشش‌های رژیم‌هایی که امروز بر مردم تحت ستم ایران توسط دیکتاتوری جمهوری اسلامی تحمیل می‌شود، و هم چنین افشا و بررسی سیاست تروریستی رژیم جمهوری اسلامی در خارج کشور، بررسی و تحلیل پاره‌ای از مسائل سیاسی، اجتماعی و مسائل مشابه دیگر از جمله برخی از موضوعاتی است که ما سعی کرده‌ایم آنها را در نشریه انعکاس دهیم .

★ کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران در طی این مدت کوشیده است به منظور دامن زدن به مباحث سیاسی و ایدئولوژیکی سلسله بحث‌هایی را پیرامون مسائل مختلف جنبش در سطح شهر هانوفر باز نماید . دعوت‌های زیر در چارچوب این انگیزه به عمل آمده اند .

☆ دعوت از آقای باقر مومنی در ماه دسامبر ۸۹ جهت ایستادگی سخنرانی درباره موضوع دیکراسی .

☆ دعوت از ۱۲ حزب، سازمان، گروه و یا شخصیت سیاسی جهت سخنرانی و ارائه نظرات خود درباره شرایط ایران پس از مرگ خمینی در سه ماه اول سال ۱۹۹۰ . در این میان دو سازمان ( سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر ) رسماً دعوت کمیته را پذیرفتند و در جلسات

پراتیک ۶ ماهه کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران

بیش از ۲۵۰ نفر آغاز کردید و به تدریج و در حین راهپیمایی به صفوف آنان افزوده شد.

★ شرکت در جلسهای که به دعوت انجمن دانشجویان و دانش آموزان ایرانی شهر برانشویک و برای کمک به پناهندگان ایرانی تازه وارد صورت گرفت. در این جلسه موضوع ترجمه زندگینامه های پناهندگان ایرانی و چگونگی رسیدگی به مسائل و مشکلات ایشان مورد بحث قرار گرفت و قرار بر این شد که کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران نیز در این رابطه سهمی از کارها را بر عهده بگیرد. در این رابطه رفقای کمیته تاکنون چند زندگینامه پناهندگان ایرانی را به زبان آلمانی ترجمه نمودند.

★ بازدید از هایم ( خوابگاه ) ZAST برانشویک به همراهی کمیته مربوط به امور پناهندگی اضیستی در هانوفر در دو نوبت ( ۸/۱۱/۸۹ ) و ( ۱۹/۱۱/۸۹ ) و تهیه گزارش از شرایط آن هایم و همچنین صحبت با ساکنین هایم و ارائه پاره ای اطلاعات در مورد حق پناهندگی به آنان. گزارش این بازدیدها در پویش شماره ۲ آذرماه ۶۸ ( صفحات ۱۹ تا ۲۱ ) به چاپ رسیده است.

★ تماس با اتحادیه DGB و تقاضای قرائت متنی درباره موقعیت کارگران ایران و شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی به آنها تحمیل نموده و همچنین مبارزه آنها بر علیه این شرایط، این متن به منظور و انگیزه قرائت در روز اول ماه مه روز جهانی کارگر در اجتماعي که به دعوت DGB ترتیب داده شده بود، از طرف کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران تهیه شده بود.

قابل ذکر است که با کمال تأسف DGB کتاب "تقاضا نامه" ما را مطابق با رویه تا کنونی اش نپذیرفت.

★ شرکت در جلسات گرد هم آیی به منظور تأسیس تشکیلات سراسری ضد نژاد پرستی. در روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ مه در فرانکفورت یک گرد هم آیی با شرکت بیش از ۴۰ نفر از نمایندگان تشکلهای مهاجرین و پناهندگان و نهادها و جریانات ضد نژاد پرست آلمانی و همچنین افراد علاقمند با هدف ایجاد ارتباطات و تشکیلات پایدار و برنامه ریزی اقدامات عملی و فعال برای به کرسی نشاندن خواسته ها و حقوق مهاجرین و پناهندگان تشکیل شد.

نماینده کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران نیز در این جلسات حضور داشت و پیشنهادات ضحمی نیز به حاضرین ارائه داد. گزارش این جلسات در همین شماره پویش درج کرده است.

★ ارتباط با ده ها سازمان، گروه، تشکل و نهاد طرفدار حقوق خارجیها، مترقی و کارگری در کشور آلمان و به خصوص در شهر هانوفر، از جمله *Unsere Stimme - Volksfront, MLPD, Antifa Uni. - BWK - VVN - Asyl e.V. Flüchtlingerrat - DGB* - اتحادیه *SAG - KPD* و ... صحبت و تبادل نظر درباره پناهندگان ایرانی و خفقان

قانون خارجیها تبعیض آمیز\* برگزار شده بود شرکت نمود. در این تظاهرات که در تاریخ شنبه ۱۷ مارس ۱۹۹۰ برگزار شد، حدود ۱۵۰۰ نفر شرکت داشتند و دو تن از نمایندگان بلسوک مستقل در این تظاهرات در کنار نظرات DGB، نظرات این بلسوک را مطرح نمودند.

★ ترتیب و برگزاری سخنرانی در رابطه با جنبش کارگری آلمان در ماه دسامبر ۹۰. در این جلسه درباره موضوع مبارزات مستقل کارگری بعد از دهه ۶۰ مباحثی ارائه شد. سخنران این جلسه یکی از اعضای شورای کارخانجات نیدرزاکسن و نماینده بخش نیدرزاکسن MLPD بود.

★ تماس با افکار عمومی آلمان و افشاکاری در راستای گسترش روابط دولتی ایران و آلمان. در این رابطه کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران در تاریخ ۲۷/۱/۹۰ با برپایی یک میسر اطلاعاتی ( *Infostand* ) اعتراض خود را نسبت به سفر مشاور اقتصادی دولت آلمان غربی به ایران جهت گسترش روابط دولتی آلمان غربی و ایران به گوش مردم هانوفر رساند.

در این آکسیون رفقای کمیته با برپایی عکسها و طرح هایمسی از شرایط مردم تحت ستم ایران و جنایات رژیم به پخش اوراقی اعتراضی در میان مردم پرداختند.

★ شرکت در کمیته، برگزاری برای یک تظاهرات در تاریخ ۲۱ - دسامبر ۱۹۸۹ به منظور اعتراض به جنایتها و سرکوبیهای دولت دست راستی و بورژوازی حاکم بر السالوادور و همه حامیان بین المللی آن و هستگی با کارگران و زحمتکشان السالوادور و خواسته های آنان.

★ شرکت فعال کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران در کنفرانس ضد فاشیستی ای که در روزهای ۲۰ و ۲۱ ژانویه در هانوفر به وقوع پیوست. در این کنفرانس جمع وسیعی از نمایندگان سازمانها گروه ها، تشکلهای و عناصر ضد فاشیست شرکت داشتند. کمیته در تدارک این کنفرانس و همچنین در گروه تحقیق مربوط به مسائل خارجیها شرکت داشت. گزارش این کنفرانس در نشریه پویش شماره ۴ به چاپ رسیده است.

★ شرکت فعال در جلسات تدارکاتی و در هیئت برگزار کننده دهمین جنبش پناهندگان و مهاجرین که در روزهای ۲۰ تا ۲۲ آوریل ۹۰ در هانوفر به وقوع پیوست. موضوع محوری این کنگره نژاد پرستی و ناسیونالیسم در ارتباط با تحولات اروپا در سال ۱۹۹۲ بود. در این جلسه یکی از نمایندگان کمیته هستگی با مبارزات مردم ایران متن افتتاحیه جلسه را به نمایندگی از هیئت برگزار کننده دهمین کنگره جنبش پناهندگان و مهاجرین قرائت نمود.

★ شرکت در تظاهرات ضد فاشیستی در روز شنبه ۲۸ اکتبر ۸۹ و تهیه و پخش اوراقی در میان مردم. این تظاهرات با حضور

پراتیک ۶ ماهه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران

و دیکتاتوری ددمنشی که هم اکنون بر ایران حاکم است با این جریانات شناساندن برخی از صاحب و فشارهایی که به طبقه کارگر ایران تحمیل شده است به پاره‌ای از این نیروها و سعی در حفظ و صیانت یک رابطه مستمر با این گروه‌ها، در جهت آگاه نمودن هر چه بیشتر آنان از شرایط پناهندگان و موقعیت مردم تحت ستم ایران زیر دیکتاتوری و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی.

★ ترجمه اخبار مختلف به خصوص اخبار مربوط به مبارزات کارگری و توده‌ای اخیر در ایران به زبان آلمانی و گذاشتن آنها در اختیار رسانه‌ها و مطبوعات شرقی آلمانی زبان. تاکنون چند تا از این خبرها نیز توسط نشریات آلمانی زبان *Rote Fahne* و *Türkei Information* به چاپ رسیده است.

★ ترتیب دادن سلسله صاحب‌هایی با سازمانها، تشکل‌ها نهادها و نیروهای شرقی، طرفدار حقوق خارجیها و کارگری که در سطح هانوفر و یا سایر نقاط آلمان فعال هستند، به منظور آشنا نمودن ایرانیان با نظرات، اهداف و فعالیت‌های آنان. متأسفانه از جمله ضعفها و کمبودهای جدی در مبارزات مهاجرین و پناهندگان ایرانی یکی هم ناآشنایی آنان با تشکلها و جریانات غیر ایرانی فعال می‌باشد. عده‌ای نیز که سالهاست در آلمان به سر می‌برند، در این راه سهل‌انگاری غیر قابل‌گذشتی از خود نشان داده‌اند. و هیچ احساس مسئولیتی در این راستای مهم از خود نشان نداده بودند.

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران با گام‌گذاشتن در عرصه شناساندن گروه‌ها، نهادها و ... به ایرانیان در جهت رفع این کمبود گام برداشته است و تاکنون چند صاحب با برخی از این گروه‌ها، نهادها و ... ترتیب داده است که در شماره‌های قبیل ماهنامه پویش ۲ صاحب به چاپ رسیده و مابقی نیز به مرور و مرتباً در شماره‌های آتی پویش به چاپ خواهند رسید.

★ ارتباط با چندین تشکل ایرانی در شهرهای مختلف آلمان و کشورهای پاکستان، سوئد، آمریکا، سوئیس، هلند و ... در این

برگزاری کنگره‌ای بر علیه نقشه‌های امپریالیستی آلمان غربی

در روزهای ۳۱ مارس و اول آوریل کنگره‌ای تحت عنوان "مقاومت فعال بر علیه سیاست ابر قدرت سرمایه آلمان غربی" در دویسبورگ برگزار شد. به رسمیت شناختن مرزهای پس از جنگ جهانی دوم و به رسمیت شناختن دولت آلمان شرقی به توسط آلمان غربی. مخالفت با اروپای کسرن‌ها و بانک‌های بزرگ! بنا به گزارش قطعنامه‌ای که در این کنگره تصویب شده، ۶۰۰ تن از ۱۰۶ نقطه در کنگره شرکت نمودند.

قطعنامه کنگره تصریح کرده است که هر نوع اتحاد دو دولت آلمان تحت شرایط سرمایه دارانه حاضر، دارای خصلت فاسدانگه امپریالیستی از جانب امپریالیسم جمهوری فدرال آلمان می‌باشد. بهترین خواسته‌ها و شعارهایی که در قطعنامه کنگره ذکر شده‌اند بدین شرح است:

رابطه بین کمیته همبستگی و این تشکل‌ها تبادل نشریات و اعلامیه صورت می‌گیرد.

★ در رابطه با حمایت و همیاری از پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان اقدامات زیر توسط کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران صورت گرفته است.

☆ اعتراض به دستگیری عده‌ای از پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان. در این رابطه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران ضمن تماس با سازمانهای حقوقی بین‌المللی، از جمله مرکز امنیتی در کلن و مرکز اصلی آن در لندن، خواستار آزادی بدون قید و شرط پناهندگان ایرانی در پاکستان و تحقق مطالبات آنان شد. تواما در همین راستا، کمیته با تماس مستقیم با شورای پناهندگان (*Flüchtlingsrat*) و همچنین نمایندگان بخش ارتباطات خارجی حزب سبزها، حمایت آنها را از مطالبات شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان جلب نمود. خبر این اقدام در پویش شماره ۲ درج گشته است.

☆ تهیه یک متن اعتراضی به زبان انگلیسی، خطاب به دفتر UN در پاکستان، که در آن ضمن اعتراض به دستگیری پناهندگان ایرانی در پاکستان، خواستار آزادی بی‌قید و شرط آنها و تحقق خواسته‌های شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان شده بودیم. این متن در میان ایرانی‌ها و خارجیها مقیم هانوفر پخش شد، تا آنها نیز در صورت تمایل جهت حمایت از خواسته‌های پناهندگان پاکستان آنرا امضاء کرده و به عنوان اعتراض به دفتر UN در پاکستان ارسال دارند.

☆ تهیه متنی به زبان آلمانی با همکاری دو تشکل دیگر در هانوفر، در رابطه با توطئه‌ای که تحت پوشش "استرداد مجرمین" در دستور کار دولتین ایران و پاکستان قرار گرفته است. کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران این متن را در اختیار چند روزنامه و نشریه آلمانی زبان قرار داد، که خبر آن به وسیله نشریه (*Türkei Informa*) به زبان آلمانی منتشر شد.



خروج از بازار مشترک و پیمان ناتو!

الغاه بازار مشترک، پیمان ناتو و پیمان ورشو!

در قطعنامه بر ضرورت پیوند نیروهای ضد امپریالیست مستقل از جهان بینی شان تأکید شده و خاطر نشان گردیده که اکثریت بزرگ مردم مستقیماً تحت فشار سیاست کسرن‌ها و بانک‌های بزرگ قرار دارند.

کنگره آمادگی خود را برای همکاری با کنگره سراسری چهاردهم تحت عنوان: "بازار مشترک ۹۲ و (جهان سوم): آینده اروپا به خرج چه کسی؟" که در روزهای ۱۴ تا ۱۷ یونی در نورنبرگ برگزار خواهد شد، اعلام کرده و به برپایی آکسیون‌های محلی در روز ۱۷ یونی به نام "روز اتحاد ضد امپریالیستی" فراخوان داده است.

کنگره همه افراد دمکرات، ضد امپریالیست و "کمونیست" را فرا خوانده که با ایجاد تشکل‌های محلی از یک اتحاد مبارزاتی کسترده پشتیبانی نمایند.



نشانه هایی از اعتلای جنبش کارگری در کره جنوبی

در این خصوص نگاه گذرای به چند خبر بیاندازیم .

(۱) در ۲۲ ژانویه ۹۰ کارگران کره جنوبی علی رغم جو پلیسی و موضوعیت تشکیل اتحادیه های سراسری مستقل، مبارزت به تأسیس " شورای ملی اتحادیه ها " نمودند . " شورای ملی اتحادیه ها " در برنامه خود ، علاوه بر خواسته های اقتصادی ، نظیر ۴۴ ساعت کار در هفته و دستمزد مساوی برای کار مساوی ، خواسته های سیاسی نظیر اتحاد صلح آمیز مجدد بین کره جنوبی و کره شمالی را گنجانده است .

در همان روز تأسیس " شورای ملی اتحادیه ها " ۱۴۷ تن از فعالین آن دستگیر شدند و از آن پس نیز فشارهای دولت بر این تشکل همچنان ادامه دارد . با این حال " شورای ملی اتحادیه ها " برخلاف اتحادیه های فرمایشی دولتی ، با استقبال فزاینده ای رو به رو شده و در حال حاضر ۸۰۰ هزار عضو دارد .

(۲) در تاریخ ۲۷ آوریل ، در اعتراض به دستگیری ۴ تن از اعضای " شورای ملی اتحادیه ها " ، حدود ۱۰۰۰۰ کارگر ، چندین روز تعمیرگاه کشتی Hyundai را به اشغال خود درآوردند . تعمیرگاه کشتی Hyundai با ۲۴۰۰۰ کارگر ، بزرگترین تعمیرگاه کشتی در جهان است .

در ۲۹ آوریل پس از ۳ روز که از اشغال تعمیرگاه توسط کارگران می گذشت ، حدود ۱۳۰۰۰ پلیس به این تعمیرگاه سرازیر شدند . اما کارگران از خود اتحاد و مقاومت سرسختانه و قابل تحسینی نشان دادند و ۱۰ روز پس از هجوم پلیس به تعمیرگاه اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد .

(۳) هجوم پلیس به کارگران واقع در تعمیرگاه کشتی Hyundai و بیرون کردن آنها از این تعمیرگاه ، موجب بروز تظاهرات و درگیری های شدید و خونین خیابانی و وقوع اعتصابات همبستگی گردید . از جمله اعتصابات همبستگی در این رابطه عبارت بودند از اعتصاب اتومبیل Hyundai ، اعتصاب ادارات ، اعتصاب وسایل نقلیه شهری ، اعتصاب کارکنان رادیو و دانشجویان . در این میان اعتصاب همبستگی کارکنان رادیو بسیار جالب توجه بود . زیرا آنها از پخش تبلیغات زهرآکین دولت بر علیه کارگران تعمیرگاه Hyundai سرپا زدند و - حواستار آزادی بیشتر در پخش اخبار شدند .

(۴) در اول ماه مه حدود ۱۰۰۰۰۰ کارگر علی رغم جو پلیسی و موضوعیت اعتصاب ، از کار دست کشیدند .

ما در شماره آینده می کوشیم ، جوانندگان عزیز را بیشتر در جریان تغییر و تحولات کره جنوبی قرار دهیم .

منابع خبری : Rote Fahne شماره های ۵ و ۱۲ می ۹۰

در دهه ۸۰ صنایع کره جنوبی رشد چشمگیری داشتند . در این دهه کره جنوبی از لحاظ تولید فولاد خود را به مقام نهم جهان ارتقا داد و از نظر کشتی سازی حتی به مقام دوم جهان رسید . کسرن های کره جنوبی در زمینه های فولاد ، اتومبیل ، تعمیر کشتی ، مکانیک و الکترونیک موفق شدند در دهه ۸۰ در بازار جهانی به عنوان یک رقیب خود را مطرح نموده و کامپایسی به جلو بردارند .

از سال ۱۹۸۶ به بعد یک نوع اتومبیل کره جنوبی به تمام Hyndai Excel توانست در بازارهای ایالات متحده آمریکا ، حتی رقیبان ژاپنی خود را پشت سر بگذارد و جزو موفقترین اتومبیل های خارجی در بازارهای ایالات متحده باشد .

حتی در سال ۱۹۸۶ کره جنوبی شروع به پرداخت بدیهیای خود به بانک جهانی نمود .

تمامی این پیشرفتهای صنعتی حس احترام و تحسینی را در سرمایه جهانی برمی انگیزد . زبان حال کشورهای امپریالیستی در برخورد به این گونه پیشرفتها چنین بود : " یک کشور در - حال توسعه هم می تواند راه ترقی را بیپیماید . برای این امر بایستی برجد و جهد خود افزوده و درها را به روی سرمایه ها بگشاید . "

اما در میان این موج تحسین ها و تبلیغات علت واقعی و اساسی این رشد صنعتی ، یعنی استثمار و تحسین و گسترده - کارگران کره جنوبی پنهان می ماند . واقعیت این بود که تمامی پیشرفت های صنعتی به قیمت فشار اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی بیشتر به کارگران کره جنوبی ، به قیمت پایین نده داشتن دستمزد ها ، بالا بودن ساعات کار و محروم نمودن کارگران از هر گونه تشکلی که بتواند از حقوقشان دفاع نماید ، حاصل شده است .

در این رابطه به ذکر چند نمونه خصلت نما از وضعیت وخیم کار در کره جنوبی می پردازیم .

در سال ۱۹۸۹ کارگران کره جنوبی به طور متوسط ۵۲/۶ ساعت در هفته کار می کردند . ۱۹۰۰ کارگر در اثر سوانح ناشی از کارجان خود را از دست دادند و ۱۳۴۰۰۰ تن مجروح شدند . حقوق یک کارگر در صنایع غذایی ماهانه ۹۵۰ مارك است کسه نیی از آن را می بایست بابت کرایه خانه پرداخت نماید . تنها در سه ماهه اول سال ۱۹۹۰ کرایه خانه ها ۳۰ درصد افزایش یافتند و حداقل ۱۵ تن در اثر فشارهای اجتماعی خودکشی نمودند .

اما آنچه نوید بخش است ، اینکه جنبش کارگری در کره جنوبی در سالهای اخیر و بویژه از اوایل سال ۹۰ تاکنون نشانه هایی از اعتلاء و مبارزه جویی برای تخمیر شرایط موجود را از خود بروز - داده و هم چنین موفق شده بخش هایی از گروههای دیگر اجتماعی را به پشتیبانی از خواسته های خود جلب نماید .



صحنه‌ای از مبارزه کارگران کسره  
جنوبی در راه خواسته هایشان

### ترکیه صحنه تظاهرات و اعتصابات گسترده در اول ماه مه

در این درگیری‌ها تعدادی نیز مجروح شدند. سازمانهای چپ خودشان امر درمان مجروحان را سازماندهی کردند زیرا بستری شدن در بیمارستان اغلب منجر به دستگیری فرد بیمار توسط پلیس می‌شود.

از تعداد مجروحان و کشته شدگان احتمالی این تظاهرات آمار دقیقی در دست نیست. اما تا کون خبر جراحات شدید چند تن گزارش شده است.

کارگران نیز در مقابل این ترور پلیسی ساکت نمانده و بخشاً با پلیس درگیر شده و با سنگ از خود دفاع نمودند. علاوه بر استانبول، در شهرهای ازمیر و آنکارا نیز تظاهراتی برپا شد.

همچنین در این روز ترکیه شاهد اعتصابات کوتاه مدت در سراسر کشور بود. در سراسر ترکیه، حتی در کارگاههای کوچک، کارگران به مدت یک تا دو ساعت از کار کردن خودداری نمودند. غالباً کارگران ماشین‌ها را از کار انداخته سرود اول ماه مه را می‌خواندند و می‌رقصیدند.

تا آنجا که گزارش شده، قبل از هر چیز خواسته‌های کارگران - مربوط به حقوق دمکراتیک و تعطیل اول ماه مه بوده است. موضوع ناآرامی‌ها و مبارزات کارگری و توده‌های اخیر در ترکیه،

برای سرمایه‌داران و دولت آنها به قدری جدی است، که اکنون حتی اتحادیه کارفرمایان نیز به دولت توصیه می‌کند که اول ماه مه رسماً تعطیل شود. زیرا سرمایه‌داران مایلند از وقوع ناآرامی‌های فزاینده در کارخانه‌های سراسر کشور جلوگیری شود.

منابع خبری: Rote Fahne مورخ ۵ می ۹۰

TAZ مورخ ۲ می ۹۰



اول ماه مه امسال علاوه بر اعتصابات گسترده کوتاه مدت در - سراسر ترکیه، در استانبول تظاهراتی برپا گردید که به وسیله پلیس و نیروهای نظامی ترکیه به خون کشیده شد.

روز قبل از اول ماه مه پلیس استانبول آشکارا اعلام کرد که "ما تیراندازی می‌کنیم".

پلیس همچنین را که از طرف اتحادیه‌های مختلف فراخوان داده شده و قرار بود در میدان تقسیم استانبول برگزار گردد، سرکوب نمود.

حدود ۱۸ هزار پلیس و ۶ هزار تن از کماندوهای واحد‌های ویژه با حمایت هلیکوپترهای ارتش و ماشین‌های آبپاش موفق شدند که از تجمع افراد در میدان تقسیم جلوگیری کنند. کماندوها مجهز به سگهای آموزش دیده آلمانی بودند. برای ممانعت از برپایی گرد هم آیی‌ها، رفت و آمد اتوبوس‌های دولتی ممنوع شده بود.

پلیس به کنترل شدید مردم پرداخت و مواردی از کنترل اتوبوس و سینما گزارش شده است.

علی‌رغم همه این موانع هزاران تن در استانبول دست به تظاهرات زدند و علاوه بر آن، کارگران بدور از مرکز شهر دور هم گرد آمدند.

در Kozlicesme (مرکز صنعت چرم) ۱۵۰ کارگرد دستگیر شدند کارگران Incik که می‌خواستند با کارگران کواکولا مشترکاً "راهپیمایی کنند"، از طرف پلیس محاصره گردیدند.

دولت ترکیه تسلط خود بر اوضاع را تنها با تیراندازی بسوی تظاهراتکنندگان، دستگیریهای گسترده و با دشواری بسیار - حفظ کرد. در استانبول بیش از ۴۰۰۰ تن دستگیر و به خاطر کمبود جا در سالنهای ورزشی مدارس چپانده شدند. پلیس حتی مجبور شد برای حمل و نقل دستگیرشدگان اتوبوسهای مسافری را مورد استفاده قرار دهد.

يك تجربه موفق!

ما در نشریه پویش شماره ۶ نوشتیم که "۰۰۰ با استفاده از امکانات و نیروی محدودمان، اقدام به ترجمه برخی از اخبار مبارزات کارگران و مردم ایران به زبان آلمانی کرده‌ایم و در این رابطه خبرهایی از این مبارزات را ترجمه نموده و در نظر داریم آنها را در اختیار رسانه‌های آلمانی زبان قرار دهیم؛ در این مه‌م خوشبختانه ما با استقبال و توجه جریان‌های آلمانی روبرو شده‌ایم چنانچه تاکنون و تا آنجا که اطلاع داریم خیر اعتصاب و تظاهرات ۱۳ هزار کارگر گروه کمتر ملی که توسط رفقای ما ترجمه شده بود، در نشریه "پرچم سرخ" ارگان "حزب مارکسیست‌لنینیست آلمان" به چاپ رسیده است. ذیلاً کلیشهای از متنی که در نشریه "پرچم سرخ" درباره این خبریه چاپ رسیده است را عیناً می‌آوریم:

Kaum etwas liest man in letzter Zeit in der bürgerlichen bundesdeutschen Presse über Proteste im Iran. Erst jetzt erreichte uns ein Bericht über einen Streik vom 23. Januar bis 3. Februar beim Schuhkonzern Melli (13 000 Arbeiter).

Hannover (Korrespondenz, gekürzt): Begonnen hatten die Arbeiter des Asadi-Werks, denen sich andere Werke anschlossen. Am 29. 1. verfaßten die Arbeiter des Asadi-Werks eine Resolution mit ihren Forderungen. Darin heißt es unter anderem:

1. Einstufung entsprechend der beruflichen Qualifikation rückwirkend seit 1983 und Bezahlung der Rückstände.
2. Erhöhung des Lohns um 30 Prozent.
3. Erhöhung des Wohngelds und Lösung der Wohnungsnot.
4. Der verantwortliche Unternehmervertreter darf nicht zurücktreten, um sich seiner Verantwortung zu entziehen.

5. Kein Arbeiter darf festgenommen oder ins Gefängnis gebracht werden. Die bereits gefangenen Arbeiter müssen sofort auf freien Fuß gesetzt werden.

6. Streichung der überflüssigen Vorschriften

7. Solange die Forderungen nicht erfüllt sind, wird die Arbeit niedergelegt.

Gegen den Widerstand der Arbeiter antwortete das Regime mit Einsatz von Polizei- und Regierungstruppen. (Pasdaran) stürmten die Häuser der Arbeiter und verhafteten sie. Mit bloßen Händen leisteten die Arbeiter Widerstand. Mit brutaler Gewalt zwangen die Truppen schließlich die Arbeiter, die Arbeit aufzunehmen.

Obwohl die Arbeiter des Melli-Konzerns unter Druck zur Arbeit gehen mußten, meinen sie, daß sie viele wertvolle Erfahrungen durch den Streik gemacht haben.

## Iran: Streikende Arbeiter mit bloßen Händen gegen die Regierungstruppen

### جوابیه اتحادیه به درخواست ما

و در پایان نیز از کارگران آلمان تقاضا شده بود که از دولت آلمان بخواهند تا کمک‌ها و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی خویش را از رژیم جمهوری اسلامی قطع کند.

جوابیه اتحادیه به کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران

همکاران عزیز!

متأسفانه باید به اطلاع شما برسانیم که ما تقاضای شما مبنی بر ایراد سخنرانی از طرف نماینده شما را نمی‌توانیم بپذیریم.

به لحاظ دلایل اصولی، ما در رابطه با سخنرانان و روند مراسم، همان ترتیبی را حفظ خواهیم کرد که در نامه ضمیمه قید شده است. ما امیدواریم با درک این موضوع، امر فوق مورد پذیرش شما قرار گیرد.

اول ماه مه امسال تحت شعار "۱۰۰ سال اول ماه مه - همبستگی آینده ما را تأمین خواهد کرد" برگزار خواهد شد.

اما به شما اطمینان خاطر می‌دهیم که از طرف سخنرانان به مسئله همبستگی بین المللی پرداخته خواهد شد.

به امید يك اول ماه مه موفق!

با سلامهای دوستانه  
منشی امور سازمانی  
اولریشی گرانززه



### تقاضای کمیته از DGB و جوابیه به آن تقاضا

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران متنی را درباره موقعیت کارگران ایران و شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل نموده و هم چنین مبارزه آنها بر علیه آن شرایط را به منظور انگیزه قرائت آن در روز اول ماه مه روز جهانی کارگر در اجتماعی که به دعوت اتحادیه DGB ترتیب داده شده بود، تهیه نمود. به این منظور کمیته کتاب "تقاضا نامه‌ای را به اتحادیه تسلیم نمود که در آن از اتحادیه خواسته شده بود به جهت تبریک روز جهانی کارگر و ارائه اطلاعاتی درباره کارگران ایران به نماینده کمیته اجازه داده شود تا این متن را در اجتماع ذکر شده قرائت نماید.

متأسفانه DGB کتاب "تقاضا نامه ما را مطابق با رویه معمول خود رد کرد. اینک ما برای اطلاع خوانندگان گرامی رئیس کمیته تهیه شده و هم چنین جوابیه اتحادیه را ذیلاً می‌آوریم.

رئوس متن تهیه شده:

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران ضمن تبریک روز جهانی کارگر و ضرورت اتحاد و همبستگی بین کارگران سراسر جهان به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌ای که هم اکنون کارگران ایران با آن روبرویند از جمله فشارهای گوناگونی که رژیم جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل نموده است، نداشتن حق تشکل و اعتصاب وضعیت وخیم اقتصادی آنان، ساعات کار بسیار بالا در ایران و غیره اشاره نمود. و در ادامه به این موضوع پرداخت که علیرغم این وضعیت دشوار، کارگران ایران به مبارزات و اعتراضات خویش بر علیه فلاکتی که جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل نموده است، ادامه می‌دهند.

**گرانی بیداد می کند!**

هر روز که از حیات رژیم اسلامی می گذرد نرخ اجناس عمومی از قبیل گرانتز می شود، رژیم اسلامی قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، با دستاویز قرار دادن جنگ چنین وانمود می کرد که گرانی و کسب و کار از اوراق عمومی به خاطر جنگ است و مردم بر این باور بودند که بعد از اتمام جنگ اوراق عمومی به وفور یافت خواهد شد و مشکل گرانی تا حدی بر طرف می گردد.

از طرف دیگر هاشمی رفسنجانی به مردم وعده میداد که دولت آینده می تواند بر این مشکلات فائق گردد.

گذشت زمان هکس آن را ثابت کرد نه اتمام جنگ و نه دولت جدید هیچ کدام نه تنها مشکل گرانی را حل نکردند، بلکه از قبل از آنش پس اجناس عمومی گرانتز شد، مردم ما تنها بخش نا چیزی از مایحتاج زندگی را از طریق جیره بندی مواد غذایی دریافت می کنند که با این بخش اندک نمی توانند و مجبورند بخشی از مایحتاجشان را از بازار آزاد تهیه نمایند. در شرایطی که نرخ بازار آزاد چندین برابر نرخ واقعی می باشد، طرح جیره بندی اوراق عمومی که از سال ۵۹ در دستور کار دولت قرار گرفت، نتوانست پاسخگوی نیازهای مردم باشد.

جدول زیر مبین این واقعیت است که بخاطر دریافت بسیار

دنیای امروز دنیای آمار است، هیچ کاری بدون درست داشتن آمار به جایی نمی رسد. سال گذشته ستاد بسیج اقتصادی کشور باتوجه به سال مار برای مردم به اندازه مار (نه از نوع افریقائیش) اینگونه سهمیه کالا تعیین و توزیع کرده است.

ردیف	نام کالا	دفعات توزیع در سال	وزن کل در سال	سهم هر نفر در روز	توضیحات
۱	گوشت	۱۲ مرتبه	۹۰۰ گرم	۲۴/۶ گرم	البته با استخوان و دنبه و پیله
۲	مرغ	۵ مرتبه	۳۵۰۰ گرم	۹/۵ گرم	البته با استخوان و کله
۳	تخم مرغ	۸ مرتبه	۵۶۰۰ گرم	۱۵/۳ گرم	
۴	روغن نباتی	۱۲ مرتبه	۵۴۰۰ گرم	۱۴/۸ گرم	
۵	برنج تایلندی	۳ مرتبه	۹۰۰۰ گرم	۲۴/۶ گرم	
۶	قند و شکر	۱۰ مرتبه	۱۲۰۰۰ گرم	۳۲/۸ گرم	
۷	پنیر خارجی	۶ مرتبه	۱۵۰۰ گرم	۴/۱ گرم	
۸	کزه	۳ مرتبه	۴۵۰ گرم	۱/۲ گرم	
۹	صابون	۵ مرتبه	۲۵۰ گرم	۱/۲ گرم	
۱۰	پودر لباسشویی	۵ مرتبه	۲۴۰۰ گرم	۶/۵ گرم	

در خاتمه امیدواریم در سال اسب ستاد بسیج اقتصادی باتوجه به جته بزرگ اسب برای ما جیره بیشتری تعیین کند. در اینجا بد نیست پیشنهاد کنم که امسال سهمیه زمینی را هم کوپنی اعلام کنند تا مثل سهمیه زمینی وارداتی عادلانه بین مردم توزیع شود.

محمود یزدانی

امروز مردم ما در شرایط سخت اقتصادی بسر می برند. زهرا نرخ اجناس عمومی بسیار گران است مثلاً یک کیلو مرغ ۱۵۳ تومان، خیار در هم ۶۵ تا ۱۰۰ تومان گوجه فرنگی ۴۵ تا ۸۰ تومان سبزی خوردن ۳۰ تومان سیب زمینی ۴۰ تا ۵۰ تومان پرتقال ۴۵ تا ۸۰ تومان گوشت ۲۷۰ تومان، شکر ۹۰ تومان، برنج ۱۴۰ تومان.

هرخواننده های می تواند وضعیت اقتصادی جامعه ما را در جلوی خود ترسیم کند و ببیند مردم در چه وضعیت بد اقتصادی بسر می برند. با این وضع مشکل می توان گفت که کارگران و افراد کم درآمد جامعه فقط شاید ماهی یکبار بتوانند مواد پروتئینی بخورند. این است گوشه ای از وضعیت اسفبار جامعه ما که که ارمغان رژیم اسلامی است.

**جیره غذایی ما...**

**کیهان**

صفحه ۶

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۹ -

۱۶ رمضان ۱۴۱۰ - شماره ۱۳۸۷۶

نمونه ای از دهها هزار مورد مرگ کارگر ایرانی

سالیانه دهها هزار کارگر ایرانی قربانی عدم ایمنی کار و سوانح ناشی از کار می‌شوند.

در مورد تعداد کل قربانیان ناشی از عدم ایمنی کار هیچ گونه آماری منتشر نشده است، اما بر مبنای آمار دولتی، که تنها بخشی از کارگران را در بر می‌گیرد (یعنی صرفاً کارگرانی که بیمه‌های اجتماعی شامل آنها می‌شود) در سال ۱۷۶۴۱، ۶۳ نفر در سال ۲۰۶۱۸، ۶۴ نفر - و در سال ۱۸۰۷۱، ۶۵ نفر در چهار سانحه در محیط کار شد ماند. \*

بی‌گمان خود این آمار نیز به مراتب پایین‌تر از میزان واقعی صدماتی است که به کارگران ایرانی وارد می‌گردد.

عمق فاجعه چنان است که اینجا و آنجا حتی در روزنامه‌ها و نشریات جمهوری اسلامی (نشریاتی از قماش کیهان، اطلاعات، کار و کارگر و...) نیز اخبار مربوط به مرگ و همدومیت کارگران در محیط کار منعکس می‌شود.

در زیر خلاصه‌ای از نامه یکی از اعضای شورای اسلامی کار شرکت سیم‌رغ به رفسنجانی که حکایت از مرگ دلخراش یکی از کارگران در اثر عدم ایمنی کار و شرایط اسف‌بار بیمارستانهای دولتی دارد، از نظرتان می‌گذرد.

متن این نامه در نشریه "کار و کارگر" مورخ ۱۸ فروردین ۶۹ درج گردیده است.

"۰۰۰ برادر از دست رفته‌مان در تاریخ ۱۴/۱۲/۶۸ در اثر يك حادثه در محل کار دچار سانحه و از ناحیه سر بشدت همدوم گردید که بلافاصله بوسیله اتوموبیل شرکت به همراه سه نفر از کارگران به اورژانس بیمارستان شهید باهنر انتقال یافت. همدوم که در حال بیهوشی و اغما بود مدتی در قسمت پذیرش معطل ماند و سپس با نظر مسئول بخش به راد یولوژی جهت گرفتن عکس هدایت شد در آنجا نمی‌دانم به علت بی‌تجربگی یا خرابی دستگاه و به طور قطع به علت سوء مدیریت، یازده فقره از ناحیه سر عکس گرفته شد که فقط دو قطعه از این عکسها قابل رویت بود آنهم به طور ناقص و ۹ قطعه از فیلمها کاملاً به صورت سفید از دستگاه خارج شدند که می‌توانست موی بسیار از در هم ریختگی‌ها و بی‌کفایتیها باشد و همه می‌دانید که دادن اشعه ایکس به بیمار حد مجازی دارد. به هر حال بیمار مجدداً به درمانگاه عودت داده شد و بعد از اعتراض و تقاضای همکاران همراه بیمار، يك دستگاه اسپراتورویك دستگاه آمبوك به همدوم وصل شد اما از پرسنلی که بتواند به همدوم کمک کند خبری نبود. دستگاه آمبوك به وسیله اشپز شرکت و دستگاه اسپراتور به وسیله کارگر شرکت که از همراهان بودند بکار گرفته شد.

البته لازم است عنوان کنم که در تمام این مدت در محوطه کریدور جلوی درب اطاق ۴ کارهای ساختمانی انجام می‌شد و تمام محوطه و فضای اطاق ۴ از گرد و غبار و صدای گوش‌خراش فریز سنگ بری اشباع شده بود.

ورود همدوم در ساعت ۹/۳۰ صبح انجام گرفت. البته در این فاصله توسط اطباء بیمارستان مورد عیادت قرار گرفت ولی

نمی‌دانم به چه دلیل این همدوم که در حالت بسیار بحرانی بود تا ساعت ۳ بعد از ظهر یعنی بیش از ۵ ساعت در درد رمانگه با آن وضع اسف‌بار نکه داشته شد و در این ساعت بعد از تعدادی دیگر از همکاران و مسئولان شرکت و پیگیری حال بیمار و بحث با مدیر بیمارستان که اصلاً در جریان وقایع نبود دستور دادند که بیمار را به بخش ICU منتقل کنند، اما دو ساعت بعد از بخش ICU اطلاع دادند که بیمار فوت شد.

آری! این تنها يك نمونه از دهها هزار مورد سانحه بود که منجر به مرگ، معلول شدن و از کار افتادگی کارگران می‌شود. نمونه‌ای که از سد سانسور و اختناق رژیم جمهوری اسلامی گذشته و به درون نشریات رژیم راه یافته است.

هر سال دهها هزار خانواده کارگری در اثر مرگ و همدومیت مردان، زنان و جوانان کارگر خانواده، از نظر مالی تحت فشار باز هم بیشتری قرار گرفته و به يك هسیت واقعی دچار می‌شوند. چرا که صالح سرمایه‌داری در ایران اقتضای نمی‌کند که ابتدایی‌ترین امکانات ایمنی و بهداشتی را چه در محیط کار و چه در سطح جامعه (در بیمارستانها، محلات کارگرنشین و...) بپوشد بیاورد. چرا که در این نظام وارونه‌ها خود کارگران و توده زجر کشیده، حواسته‌هایشان را به سرمایه‌داری و دولت حامی آن تحمیل نکنند هیچ گونه بهبودی در وضعیتشان بوجود نمی‌آید.

★

این آمار از جزوه "اطلاعاتی درباره وضع طبقه کارگر ایران" نوشته مصطفی صابر نقل شده است.

## اخبار ایران

گزارش وضعیت نرخ دلار و سکه در بازار آزاد از زبان روزنامه دولتی کیهان

روند صعودی ارزش برابری ارزهای عمده در بازار آزاد تهران هم چنان ادامه دارد و حوالی ظهر ۱۵ اردیبهشت ماه دلار به ۱۴۰۵ ریال، مارک به ۸۳۰ ریال و پوند به ۲۲۶۵ ریال رسید، که نسبت به ۴ روز قبل به ترتیب با ۱۵، ۱۲، و ۲۵ ریال افزایش مواجه بود.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری جمهوری اسلامی هر سکه بهار آزادی در بازار تهران روز ۱۵ اردیبهشت در مقابل ۱۲۳۱۰۰ ریال مبادله می‌گشت.

قابل ذکر است که در خیابانها فردوسی و استانبول تهران - معاملات بازار سیاه ارز از رونق کاملی برخوردار می‌باشد و این معاملات نیز با آگاهی کامل دولت صورت می‌گیرد. سران رژیم می‌دانند که در شرایط حقیقت‌آور موجود، وجود بازار سیاه ارز - مانند جریان خون تازه‌ای است که به رگ‌های بازرگانی ایران وارد می‌شود. در این جریان روزانه به طور متوسط بیش از ۵٪ - میلیون دلار معاملات ارز صورت می‌گیرد.

به نقل از گزارش رویتر از بازار سیاه ارز در ایران، به گفته یکی از دلان خیابانی ارز، هر روز قیمت معاملات ارز آزاد، توسط ۲۰ تا ۳۰ نفر از دلان کله کنده که به صورت یک باشگاه خصوصی درآمد مانند تعیین می شود و دیگران نیز به ناچار از آن پیروی می کنند. اعضای این باشگاه غیر رسمی در حقیقت بر همه معاملات عده ارز تسلط دارند و عمدترین آنها نیز با رژیم همدست و همکار هستند.

اعدام سه اتهام قتل یک آخوند

فردی به نام خلیل میرزایی به اتهام قتل آخوندی به نسام فخر بنایی پس از گذشت ۴ سال دستگیر می شود. کیهان دولتی ادعا می کند که این قتل در سال ۱۳۶۵ صورت گرفته بوده است. بعد از دستگیری این فرد، او را در آذر شهر اعدام می کنند. خبر اعدام وی در کیهان دولتی یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ صفحه ۱۹ آورده شده است.

بانک توسعه اسلامی ۳۰ میلیون دلار تسهیلات مالی به دولت ایران پرداخت.

بر اساس دو قرارداد جداگانه که صبح ۱۲ اردیبهشت ماه در تهران بین رژیم ایران و بانک توسعه اسلامی منعقد شد بانک مذکور تعهد کرد که برای واردات مواد پسی - وی - سی - و نیز فولاد روی هم رفته ۳۰ میلیون دلار تسهیلات در اختیار ایران قرار دهد. این قرارداد از سوی بانک توسعه اسلامی توسط آقای عثمان سیک معاون بانک مذکور به امضا رسید است.

قابل ذکر است که بانک توسعه اسلامی با سرمایه ای بالغ بر ۷۵۰ میلیون دینار اسلامی در سال ۱۹۷۵ تشکیل شد و در حال حاضر ۴۵ کشور اسلامی در آن عضویت دارند.

جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۹ به این بانک پیوست. مقامات این بانک تاکنون چند سفر به ایران داشته اند از جمله سال گذشته رئیس بانک فوق به منظور مذاکره با مقامات مالی - اقتصادی دولت ایران به تهران آمد.

کیهان - ۶۹/۲/۱۳

**اخبار جهان**

دانش آموزان بر علیه قانون خارجی ها، به مبارزه و دفاع از خویش دست می زنند!

یک دبیرستان مذهبی در هامبورگ (Gymnasium Klosters) از نیمه شب پنجشنبه ۱۹ آوریل تا جمعه ۲۰ آوریل به منظور اعتراض بر علیه قانون جدید خارجی ها، توسط دانش آموزان به

اشغال درآمد. قانون جدید خارجی ها این دبیرستان را به طور مستقیم مورد هدف قرار می دهد چرا که معلمان مجبور شده اند بر علیه دانش آموزان دست به عمل جاسوسی بزنند.

دانش آموزان چنین می گویند: از آنجا که ما نمی توانیم تحمل کنیم که با دانش آموزان غیر آلمانی بدتر از آلمانی ها رفتار شود، دست به اشغال مدرسه زدیم.

ساعت ۶ بعد از ظهر روز پنجشنبه یک جلسه اطلاعاتی در مدرسه تشکیل شد که در آن فردی از طرف "خانه برای همه"

(Haus für Alle) سخنرانی نمود. همچنین یک برنامه موسیقی جاز به منظور اعتراض بر علیه قانون جدید خارجی ها، نیز اجرا شد. در این مراسم حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر شرکت کردند و -

بعد از آن دبیرستان به اشغال درآمد. ولی پس از گذشت مدتی، رئیس دبیرستان با این حرکت دانش آموزان مخالفت کرده و از اولیاء نوجوانان خواست که فرزندان خود را به خانه ببرند. سایر دانش آموزان که تعدادشان به ۵۰ نفر می رسید و از -

دبیرستانهای مختلف گرد هم آمده بودند، به بحث با رئیس دبیرستان پرداختند. در این میان ۳۰ نفر از دانش آموزان تا صبح روز بعد در دبیرستان مانده و آنجا را در اشغال خود نگه داشتند. صبح روز جمعه یک محل اطلاعاتی تشکیل شد و

دعوت به تحریم کلاسهای درس نمود. در این محل دانش آموزان شروع به تهیه پلاکارد برای شرکت در راهپیمایی در ساعت ۱۲ همان روز نمودند. در این راهپیمایی حدود ۱۲۰ نفر از -

مدرسه مجاور این دبیرستان بنام مدرسه "Lohnmühten" به دانش آموزان دبیرستان فوق پیوسته و در مجموع حدود ۳۰۰ -

دانش آموز به طرف اداره امور خارجی ها (Ausländerbehörde) دست به راهپیمایی زدند. روز پنجشنبه ۲۶ آوریل راهپیمایی دیگری بوسیله دانش آموزان از طرف اداره مدارس به طرف اداره امور خارجی ها صورت گرفت. برای این راهپیمایی که در آن ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند، پلیس نیروی نسبتاً وسیعی به کار گرفت ولی

هیچ گونه درگیری ای به وجود نیامد.

به نقل از نشریه اخبار ضد فاشیستی شماره ۱۰، تاریخ ۱۱/۵/۷۰



تظاهرات بر علیه قانون خارجی ها در بسن

بر علیه قانون خارجیان که در تاریخ ۱۱ ماه مای ۱۹۹۰ Bundesrat (۲۱ اردیبهشت ۶۹) به تصویب نهایی رسید، تظاهراتی بنا به فراخوان DGB در تاریخ جمعه ۲۷

آوریل ۹۰ با شرکت حدود ۵۰۰ نفر در بسن برگزار شد. در این تظاهرات که از میدان اصلی شهر شروع شده بود عده زیادی از گروه های ترک، بعضی از سازمان های چپ آلمانی تعداد کمی ایرانی و تعداد باز هم کمتری از سیاه پوستان شرکت داشتند. تظاهرات در ساعت ۱۱ شروع شد.

در پایان راهپیمایی از طرف DGB و چند گروه دموکراتیک از جمله از طرف عضو بین الملل سخنانی در این رابطه ایراد

قرارداد: "زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی" قانون خارجیهای  
الغاء باید گردد"، فاشیستها بروند، خارجیها بمانند .

در طول راهپیمائی يك قطعنامه به زبان آلمانی خوانده شد  
که در آن در مورد بخشهایی از قانون جدید به طور کلی  
توضیحاتی داده و به نژاد پرستانه، ناسیونالیستی و فاشیستی  
بودن این قانون به طور مشخص و کلیه قوانین مخصوصی برای  
خارجیها پرداخته و انتقاد شد . از جمله خواستههای ذکر شده  
در این قطعنامه چنین بود: "الغاء قوانین خارجیهای حقوق  
برابر برای همه اعم از آلمانی و غیر آلمانی" .

در پایان راهپیمائی قطعنامه دیگری توسط یکی از رفقهای  
کمیته همبستگی خوانده شد . این قطعنامه به طور مشخص تاکتیک  
فرست طلبانه انتخاباتی SPD و عدم موضعگیری وی در مورد  
قانون خارجیها را مورد حمله و نقد قرار میداد . برخی از  
نکات آمده در این قطعنامه از این قرارند: "قانون خارجیهای تنها  
مربوط و فقط برای خارجیهای نیست بلکه این قانون گامی در جهت  
محدود کردن حقوق دمکراتیک کلیه مردمی که در آلمان - اعم  
از آلمانی و غیر آلمانی - زندگی میکنند، می باشد" . . . . . SPD  
به خاطر ناسیونالیسمش علاقهای به منافع خارجیهای ندارد و سکوت  
و عدم موضعگیری وی در قبال قانون جدید خارجیهای، غیرعقل  
کلیه ظاهر سازیها و کاربرد کلمات زیبا برای خارجیهای در عمل  
همراهی با و تقویت موج جاری ناسیونالیسم در آلمان از يك سو و  
قربانی کردن منافع غیر آلمانیها و لذا کمک به تصویب این قانون  
جدید از سوی دیگر می باشد . "تظاهرات با شعار قوانین خارجیهای  
خشم و نفرت را شعلهور می سازند" ، و با خواست "الغاء کلیه  
قوانین خارجیهای" ، پایان یافت .

گزارشگر: ش . ط



گزارشگر: ش . ط

در پی يك هفته زد و خورد میان نیروهای دولتی فیلیپین و  
چریک های چپ گرا در جنوب این کشور، ۱۶۱ چریک و ۲۲ تن از  
نیروهای نظامی کشته شدند .

دستور سرکوب اعتصابات و تعطیلی ۱۵ روزانه در ترکیه

دولت ترکیه برای مبارزه با کرد های شورشی در جنوب شرقی  
این کشور ۱۵ روزانه مستقل ترکیه را تعطیل اعلام کرد . بر اساس  
این گزارش دولت ترکیه، مخالفان جدی و "مشکل آفرین" خود را  
تبعید می کند و به مقامات محلی در جنوب شرقی ترکیه دستور داده  
است تا اعتصابها را از طریق بازداشت مخالفان سرکوب کند .

یکی از پانزده نشریه توقیف شده، نشریه به سوی سال ۲۰۰۰  
نام دارد که گفته می شود که بیشترین اخبار را درباره کردستان  
ترکیه به چاپ رسانده است .

پاریس - فرانسه - رویتر

گردد . سخنران DGB مرتب بوسیله سوت زدن های حاضران  
مجبور به قطع سخنرانش می شد ، چون DGB فقط انتقاداتی روی  
قانون جدید خارجیان داشت و خواستار اصلاحاتی در این قانون  
می باشد . بعد از سخنران DGB، يك سخنران از یکی از  
سازمانهای عفو بین الملل مقاله ای را در رابطه با خارجیان، مسائل  
و مشکلات آنها و علل مهاجرت آنها به آلمان خواند . با اینکه  
مقاله نسبتاً طولانی بود ، اما مرتب، با کف زدن های حضار  
روبرو می شد . در این مقاله به شیوه استعمال کشورهای جهان  
سوم توسط قدرت های امپریالیستی اشاره شده است . همچنین  
به فروش اسلحه و مسائل مرکب شیمیائی ، برافروختن جنگ برای  
پیدا کردن بازار اسلحه ( در این کشورها ) که خود کشورهای  
امپریالیستی مسبب آن می باشند اشاره شده بود . بخشی از این  
مقاله به شرح زیر می باشد .

خیل عظیمی از انسانهایی که خانه و کاشانه خود را ترک کرده  
به ما پناه آورده اند از این دسته هستند . . . .  
دیکتاتوری و ظلم را ما به بهترین شکلی در جنگ جهانی دوم  
دیدیم . دیدیم که چگونه توسط هیتلر و فاشیست ها انسانها  
را به جرمهای واهی به کشتار گاهای گاز می فرستادند ، امروز  
نگذارید که آن گذشته دوباره بوسیله دیگر تکرار شود . . . . .  
ضد خارجیان در پارلمان Bundestag تصویب شده اما ما نباید  
امیدمان را از دست بدهیم و باید به مبارزات خودمان ادامه دهیم .  
بعد از آن از طرف گروه ( سبزها ) خانمی با اینکه وقت  
صحبت نداشت پشت میکروفون رفت او خودش سناتور مجلس بود و گفت  
که در مجلس تا به حال هیچ وقت این همه نسبت به مسائل  
خارجیان سکوت نشده بود .

تمامی رسانه های گروهی هم در این مورد سکوت اختیار کرده اند  
دو، سه نفر از گروه های ترک هم بیانیه های خود را خواندند .  
RTL از جریان فیلم و خبر تهیه می کرد .  
گزارشگر: آزاده



تظاهرات بر علیه تصویب نهایی قانون خارجیها

در روز جمعه ۱۱ ماه مه، تظاهراتی بر علیه قانون خارجیها  
در شهر هانوفر صورت گرفت . این تظاهرات به دعوت سازمان  
دانشجویی دانشگاه هانوفر و با پشتیبانی و حمایت گروههای  
مختلف آلمانی، ایرانی، آفریقائی، ترک و کرد فراخوانده و سازمان  
داده شده بود که در آن بیش از ۲۵۰ نفر شرکت کردند .  
تظاهرات دو هدف را مد نظر خود داشت: یکی اعتراض به  
تصویب قانون جدید خارجیها در بوندسرات (مجلس سنا)  
که قرار بود همان روز از مرحله تصویب بگذرد، و دیگری افساسی  
فرست طلبی های SPD ( حزب سوسیال دمکرات آلمان )  
به خاطر خاموش ماندن در قبال این قانون جدید به عنوان يك  
تاکتیک انتخاباتی .

شعارهایی که در طول راهپیمائی عنوان می شدند از ایس

۵۰ خبرنگار در سال گذشته کشته شدند

در سال میلادی گذشته ۵۰ خبرنگار در حال تهیه گزارش از رویداد های گوناگون خبری کشته شدند .  
۹۰ نفر مجروح گردیدند ۲۵۰۰ نفر حین کار مورد حمله قرار گرفتند و ۵۵ نفر از کشوری که در آن کار می کردند ، اخراج شدند و ۵۰ خبرنگار دیگر سر از زندان در آوردند .

در این میان بیشترین تعداد خبرنگارانی که در سال گذشته جان خود را به خاطر شغل شان از دست دادند ، در کشورهای آمریکای لاتین بوده اند که اکثراً در گریودار بحرانهایی نظیر جنگ های داخلی جان باختند .

تظاهرات در رومانی علیه حکومت ایلیسکو

بخارست - فرانس پرس - کیهان ۶۹/۲/۱۵

ده هزار نفر شب ۱۴ اردیبهشت در بخارست علیه حکومت یان ایلیسکو تظاهرات کردند .

در حالیکه برای دوازدهمین شب متوالی مردم بخارست با اشغال میدان دانشگاه بخارست به انجام تظاهرات پرداختند و درخواست عمومی برای بدست آوردن آزادی بیشتر فروکش نکرده است .

در این میان ۳۰ نفر از تظاهرکنندگان به اعتصاب غذا پرداخته و تقاضای مذاکره با دولت را دارند .

کلیسای ارتودوکس از احزاب رقیب خواسته است که خارج از متشنج نمودن جو ، احزاب سیاسی رقیب به گفتگو بنشینند و برای انتخابات ۲۰ مه به مذاکرات صمیمانه بپردازند . این بدان معنی است که این کلیسا با اعتصاب غذا و حرکات " غیرقانونی " مخالف است .

## اخبار پناهندگان

۶۸ پناه جو بجای هانوفر از يك دهكده سردرآوردند !

۶۸ پناهجو به جای هانوفر از يك دهكده سردرآوردند !  
در اواخر مارس امسال ، ۶۸ پناهجو که به شهر هانوفر تقسیم شده بودند و می بایستی در این شهر اسکان می یافتند ، به محل دورافتاده ای در شهر گوسلار Goslar فرستاده می شوند . این پناهجویان که شاد و پر امید انتظار این را داشتند که در هانوفر مأمن داده شوند ، به یکباره خود را در دهی دورافتاده و منزوی از اهالی آنجا می یابند .  
آنها در بیانهای که به اعتراض نسبت به شرایط خود منتشر

کرده اند ، وضعیت خود را چنین تشریح نموده اند :  
ما در اینجا به شکل کاملاً ایزوله ای زندگی می کنیم . لبار کافسی نداریم ، شیر برای بچه نداریم ، امکانات پزشکی و دارو و محلی برای بازی بچه ها نداریم . امکانات شستشو و نظافت به اندازه کافی وجود ندارد . اطاهای ما همیشه سرد و غذایمان یکنواخت و بدون ویتامین است ."

این نحوه برخورد مقامات شهر هانوفر و بخصوص اداره مسکن آن که قاعداً می بایستی امکانات و محل زندگی برای این افراد تدارک میدیدند ، اعتراض بسیاری از شخصیتها ، تشکل ها و افراد فعال در امور پناهندگی را برانگیخته است . اداره مسکن در اخباری که در روزنامه ها درباره این مسئله منتشر شده است ، ادعا کرده که ناگهان با این مسئله مواجه شده و هیچ امکانی برای اسکان این افراد نداشته است . در صورتی که در گزارش از روزنامه نوی پرسیه تاکید شده بود که اداره مسکن در جریان انتقال حداقل ۴۰۰ پناهنده به هانوفر تا اواخر آوریل ۹۰ قرار داشته است و قاعدتاً انتقال ۶۸ پناهجو برای اداره مسکن امری یکباره و ناگهانی نبوده است . در دومین جلسه ای که مجلس مشورتی خارجی (Ausländerbeirat) شهر هانوفر از بسدر تاسیس خود ( این مجلس در تاریخ ۲۲ ژانویه با رأی خارجیان معیم هانوفر در این شهر انتخاب شد ) در تاریخ ۱۷ ماه مه با مقامات شهرداری شهر هانوفر داشت ، این مسئله را به شکل سؤال مطرح نمود . در این رابطه نماینده اداره مسکن نیز دعوت شده بود . هیئت رئیسه مجلس مشورتی خارجی ها ضمن توضیح وضعیت کنونی این پناهجویان ، از نماینده اداره مسکن سؤال کردند که به چه دلیلی این افراد به جای هانوفر محل دیگری ( يك دهكده در کوسلار ) فرستاده شده اند . این نماینده پاسخ داد که اداره مسکن شهر هانوفر در اوایل ماه مارس از انتقال ۳۰۰ پناهجو به شهر هانوفر اطلاع حاصل می کند . ( پس اداره مسکن حدوداً يك ماه وقت داشته تا برای حداقل ۶۸ نفر از آنان محل زندگی تهیه کند - گزارشگر ) با توجه به اینکه می بایستی بیخانمانان دائماً رو به تزاید شهر هانوفر نیز اسکان داده می شدند و با توجه به برگزاری دو نمایشگاه در شهر هانوفر و تعداد زیاد مهمانان خارجی ، امکان تهیه محل زندگی برای این پناهجویان وجود نداشته است ."

وی در مقابل این سؤال که بالاخره شهر هانوفر يك سهمیه مشخص برای پذیرش پناهجویان دارد و بهر حال برای پذیرش این سهمیه مشخصی می بایستی اداره مسکن از قبل خود را آماده می نمود پاسخ داد که سهمیه مشخصی وجود ندارد !! وی در عین حال گفت که آنها تلاش می کنند تا اواخر مه و اوایل ژوئن این ۶۸ پناهجو را به هانوفر انتقال دهند ولی در عین حال هنوز مشخص نیست که شهر هانوفر چه امکانات مشخصی برای زندگی این افراد در نظر دارد .

با توجه به صحبتهایی که در این زمینه ، مبنی بر انتقال پناهجویان به های بی سرپناهان وجود دارد و نمایندگان مجلس مشورتی خارجیان هم در جریان این صحبت ها قرار داشته اند ، بنظر گزارشگر می بایستی نمایندگان خارجیها در این رابطه بیشتر

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلاً مبارزه کنیم !



بگیری می نمودند و از اداره مسکن می خواستند تا جواب روشنی  
 به این مسئله بدهد که کجا و چگونه می خوانند این ۶۸ نفر را در  
 شهر هانوفر اسکان دهد!! اگر اداره مسکن در نظر دارد که این  
 افراد را اواخر ماه مه، اوائل ژوئن به هانوفر انتقال دهد می بایستی  
 در ۱۷ مه یعنی ۱۳ روز قبل از انتقال آنان، حداقل چشم انداز  
 و اطلاع مشخصی در این رابطه داشته باشد. این سوآلی بود که  
 می بایستی در آن جلسه بطور مشخص مطرح می شد ولیکن متأسفانه  
 از طرف نمایندگان برای نکته انگشت گذاشته نشد. جلسه با  
 این قول نماینده اداره مسکن که همه این پناهجویان حداقل  
 تا اواسط ژوئن در هانوفر خواهند بود و این خبر می تواند به  
 خود پناهجویان اطلاع داده شود، به بحث در این باره خاتمه داد  
 مهوش نظری ۹۰/۵/۲۰

شک نیست که اتفاقات و رویداد های پیش آمده و عدم توانایی  
 بر خورد با آنها او را به اینجا کشانده است. علاوه بر این  
 مسایل، نقش اداره مشاورتی y-Tech که مسئول رسیدگی به مشکلات  
 پناهندگان می باشد، حائز اهمیت است. به اعتقاد ما این اداره  
 در این قضایا با سهل انگاری و بی تفاوتی برخورد کرده و عملاً  
 اقدامی برای پیشگیری این اتفاقات که اولین از این نوع نبوده نمی کند  
 پس مشاورین به چه کاری می آیند؟ ساله اساسی این است که چنین  
 افراد ی برای بهبودی و آرامش فکری به محیطی سالم و آرام به دور از  
 هر گونه تشویش خاطر ی نیاز دارند که تسریع در امر مهاجرت بهترین  
 راه برای آنهاست.

در قسمت دیگری از اعلامیه می خوانیم:

**پناهندگان و آوارگان!**

برای مقابله با مشکلات و مسائل موجود می بایستی در اندیشه  
 یافتن راهی برای رسیدن به فردای پر شرف و آینده های روشن بود و  
 با اقدامات جمعی به جنگ با معضلات رفت. به اعتقاد ما تا  
 ملایمات روحی و اجتماعی نباید پناهندگان را دچار یاس و سرخوردگی  
 کند و به شیوه های منفی و محرب متوسل سازد. خود سوزی و  
 خودکشی راه نجات از این بن بست های روحی و روانی نیست،  
 بلکه باید بر خاکستر رویاهای آوار شده شمع زندگی را که دیگری  
 است سوسو میزند تا طلسم ظلمت را بشکند، روشن نه داشت و از  
 این رهگذر زندگی را بی گرفت و فردای بهتری را در طلوع مجدد  
 جستجو نمود. اما برای رفتن به چنین میعاد گاهی مثل هر  
 فراری دیگر، حرکت با برنامه، بر اساس سازماندهی مشخص، ابزار  
 خاص خود را می طلبد که نیرویش را چون اهرمی بکار بگیرد و دست  
 های مستعد دیگر را بفشرد و موانع را پس زند. آن ابزار که  
 قدرت نهفته پناهندگان و آوارگان را بر آورد و حواستهای آنان  
 را علی سازد، ارگان و سازمان آنان، تشکل دمکراتیک پناهندگی  
 است.



شماره ۳۳

قیمت ۳ روپیه

سال سوم  
۹۰/۴/۱۴

# پناهندگان

ارگان شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان - کراچی

توسط

اعلامیه ای که در زیر قسمت های از آنرا می خوانید، شورای  
 پناهندگان ایرانی، کراچی، پاکستان در نشریه پیام شورا شماره ۳۳  
 به چاپ رسیده است. این اعلامیه خبر از خود سوزی جانکند از يك  
 پناهنده در پاکستان می دهد.

**مرگ دلخراش يك پناهنده!**

در صبح روز شنبه ۱۰ مارس یکی از پناهندگان با ریختن  
 بنزین به روی خود و زدن کبریت، اقدام به خود سوزی نمود. وی که  
 به شدت مجروح شده بود در ساعت ۶ بعد از ظهر همان روز در  
 بیمارستان "جنساح" جان سپرد. با مرگ وی جامعه پناهنده  
 بار دیگر در غم و اندوه فرو رفت.

نامبرده ۹ ماه قبل از عراق به کراچی آورده شده بود و از آن  
 تاریخ تاکنون مسائل روحی ناشی از برخورد های ناسالم درونی و

**شرکت در انتخابات حق مسلم مهاجرین و پناهندگان است**

کیهان

در شهرک کیان شهر

۷۰ آلودگی غیر مجاز توسط شهرداری تهران تخریب شد

۷۰ آلودگی غیر مجاز حاشیه کوی آزادی شهرک کیان شهر که طی چند ماه اخیر ایجاد شده بود، توسط ماموران شهرداری تهران تخریب گردید. همچنین به ۳۳۰ خانوار مستقر در آلودگی های حاشیه بزرگراه بعثت تهران که از سال ها قبل در این منطقه سگی گزیده بودند، اختلال شد تا در اسرع وقت نیت به تخلیه آلودگی ها اقدام کنند. سخنگوی روابط عمومی شهرداری تهران پیش از ظهر امروز در گفتگو با خبرنگار

ما ضمن اعلام مطلب فوق افزود: طرح جمع آوری آلودگی های غیر مجاز در حاشیه شهر تهران با قاطعیت ادامه خواهد یافت و در آینده آلودگی های مناطق دیگر شهر نیز برچیده خواهد شد.

شایان ذکر است اقدام سفید شهرداری تهران در حاشیه بزرگراه بعثت با مخالفت ساکنان این آلودگی ها روبرو شد که سرانجام قضیه با دستگیری چند تن از آشغال پازیان یافت.

یورش رژیم به زحمتکشان حاشیه نشین کیان شهر

روزنامه کیهان مورخ ۲۵ فروردین خبر میدهد که "۷۰ آلودگی غیر مجاز توسط شهرداری تهران تخریب شد".  
خبر فوق چنین است: "۷۰ آلودگی غیر مجاز حاشیه کوی آزادی - شهرک کیان شهر که طی چند ماه اخیر ایجاد شده بود، توسط ماموران شهرداری تهران تخریب گردید".

صفحه ۴

شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۹

۱۸ رمضان ۱۴۱۰

۱۴ آوریل ۱۹۹۰ - شماره ۱۳۸۲۲

این اولین بار نیست و آخرین بار هم نخواهد بود که نیروهای سرکوب رژیم اسلامی، خانه و کاشانه مردم محروم را بر سرشان ویران می کنند، رژیم اسلامی هر از چند گاهی به دلایل مختلف از جمله اینکه آلودگیها مرکز خرید و فروش مواد مخدر می باشند، محموله ها می شود و مردم بیگناه را که نتوانسته اند طی سالیان متعادی خانه و کاشانه های را برای خود تهیه نمایند و مجبور شدند زن و بچه خود را در زیر این آلودگیها نگهدارند تا از سرما و گرما محفوظ بمانند، بی خانمان می کنند.

هر چند که هوای داخل آلودگیها با بیرون تفاوت چندانی ندارد. انسانهای دردمندی در زیر این آلودگیها جمع شدند که نتوانستند با حقوق ناچیزشان خانه های را اجاره نمایند.

از یک طرف رژیم اسلامی در روز روشن خانه و آشیانه مردم ستمکشی را خراب می کند و از طرف دیگر قانون مبارزه با محتکرین را تصویب می کند و رهبران طراز اول رژیم هنوز هم فریاد بر می آورند که مبارزه بین فقیر و غنی می بایست ادامه پیدا کند.

هنوز هم فریاد بر می آورند که کوخ نشینان را بر کاخ نشینان ترجیح میدهند.

آری در قاموس رژیم ج. اسلامی کوخ نشینان فقط برای کشتن و گوسفند توپ شدن جیبه ها آفریده شدند.

وگرنه در رژیم اسلامی فقیر فقیرتر می شود و غنی غنی تر، امروز دیگر مردم ما به عینه دریافتانند که رژیم اسلامی حامی سرمایه داران است نه کارگران و زحمتکشان.



اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده ای را در ایران به اطلاع جهانیان برسانیم!

از  
ت  
ای  
در  
ع  
ای

عملیات تروریستی توسط فاشیستها در سال روز تولد هیتلر

در تاریخ ۲۴/۴/۱۹۹۰ به دنبال سال روز تولد هیتلر در ۲۰ آوریل، فاشیستها در شهرهای مختلف آلمان غربی و آلمان شرقی، دست به آزار خارجیها، همجنس‌بازها و عابرین پیاده زدند. در منطقه آکساندر واقع در برلن شرقی، نیروهای فاشیست از غرب و شرق در روز جمعه مشترکا دست به حملاتی زدند. بنا به گفته شاهدان عینی در این حملات فاشیستها از چاقو و چماق و کسولهای گاز استفاده کرده و حداقل ۱۰ عابرین پیاده را شدیداً مجروح نمودند.

راندن فاشیستها و پراکنده نمودنشان و نیز پیش از هر چیز برای حمایت از خارجیها به طرف محل حادثه راه افتادند. در نتیجه این حرکت، تعداد ۲۰۰ نفر از نیروهای فاشیست موفق نشدند که در نیمه شب به طرف منطقه کروتیس برگ (Kreuzberg) پیشروی کنند.

در منطقه Geesth. Bunkerwald در نزدیکی هامبورگ ۴۰ تن فاشیست مراسمی با عنوان جشن رهبری ترتیب داده و در آن دست به تحریر تیراندازی زدند. ۶۰ نفر پلیس حاضر در محل جرأت نکردند به ساختمان نزدیک شوند و خود را عقب کشیدند.

در مناطق Süderelberen و Bergdorf (برگدورف) و همچنین در شمال هامبورگ نیروهای فاشیست به مدت چند یکن



Mit dem Hitlergruß auf dem Ostberliner Alexanderplatz

Foto: Theo Heimann / GAFF

فاشیستها که به هیجان آمده‌اند، به شیوه هیتلر در میدان الکساندر برلین شرقی سلام میدهند

فاشیستها شعارهای مختلف فاشیستی از جمله شعارهایی بر علیه ترکها و نیز بدون هیچ هراسی از هرگونه مجازاتی، سلام مخصوص هیتلری می‌دادند. بعد از تلاش آنها برای هجوم به یک ساختمان اشغالی در منطقه "پروس لائتربرگ"، یک کافه همجنس‌بازها را تخریب نموده و مهمانان آن را مجروح کردند.

پلیس آلمان شرقی هر چند دو فاشیست را دستگیر کرده ولی در مجموع خود را از جریان کارکنده داشته است. یکی از مقامات پلیس منطقه گفته است: "ما اجازه نداریم کاری بکنیم، برای اینکه رهبری دچار مشکلی نشود".

(به نقل از روزنامه آنگلاینه هانوفر در تاریخ ۲۳ آوریل Hann. Allgemeine) نیروهای ضد فاشیست و جوانان ترک، بی‌سهمحض خیردار شدن از عملیات تروریستی فاشیستها، مشترکا دست به راهپیمایی به طرف محل حادثه (منطقه آکس) زدند که البته پلیس آلمان غربی و شرقی در مرز جلوی آنها را گرفتند. سرانجام صدها ضد فاشیست در بعد از ظهر و شب حادثه به منظور عقب

هفته دست به عملیات تروریستی بر علیه مردم زده و تعداد زیادی از جمله یک زن جوان را به شدت مجروح کردند. یکی از ساکنین منطقه برگدورف می‌گوید: "ما نمی‌توانیم بچه‌ها بیاوریم، بچه‌ها با کسول گاز بازی بفرستیم و آنها را تنها بگذاریم". بچه‌ها با کسول گاز تهدید می‌شوند. ساکنین محل خواهان اجرای اقدامات جدی و لازم هستند ولی پلیس دست به هیچ کاری نمی‌زند.

در هامبورگ به خاطر حملات مکرر فاشیستها، یک تلفن ضد فاشیستی سازمان داده شده که افراد می‌توانند در روزهای چهارشنبه از ساعت ۷ تا ۹ شب با آن تماس بگیرند.

شماره این تلفن چنین است: ۴۳۴۱۸۷ - (۰۴۰ کد شهر) هامبورگ.

درین در تاریخ ۲۱ آوریل، یک گروه فاشیستها تعداد زیادی از عابرین پیاده را با چماق مجروح کردند.

یک ساعت بعد از این جریان، یک هایم پناهندگان در بخش

از ظرف اکثریت شهروندان مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند.

چنین برخوردهایی از طرف شهروندان آلمان شرقی نسبت به سفر یک گروه از جوانان به آن کشور و به خصوص نسبت به ترک‌ها خبر از عمق فاجعه و رشد ستیز با خارجی‌ان در این کشور می‌دهد.

عملیات تروریستی فاشیست‌ها در منطقه هارتس ( Harz )

نیروهای فاشیست در نیمه شب ۲۸ آوریل در گریه‌ها و ناآرامیهای شدید را در شهرهای دودراشتاد ( Duderstadt )، کوتینکن در آلمان غربی و در شهر نورد هاوزن ( Nordhausen ) آلمان شرقی بوجود آوردند.

عناصر فاشیست تصمیم به اجرای یک برنامه کسرت گرفته بودند که با عکس‌العمل مقامات مسئول آلمان شرقی روبرو شده و منوع اعلام گردید. پس از منوعیت این امر حدود ۱۰۰۰ فاشیست از طرف آلمان غربی و برلن غربی براه افتاده و دست به آزار مسرود زدند. در نقاط مختلف به آبرین پیاده حمله شده، ماشین‌ها داغان گشته و شیشه‌های پنجره‌ها در هم شکسته شدند. همچنین یک مهمانخانه بین راه در مسیر برلین-درسدن توسط فاشیست‌ها تخریب گشت. پس از این حرکات مخربانه و وحشیانه در آلمان شرقی، فاشیست‌ها دسته‌های کوچکتری تشکیل داده و به طرف دودراشتاد و بعد کوتینکن در آلمان غربی به راه افتادند.

نیروهای ضد فاشیست در آنجا خود را سازمان داده و آماده کرده بودند و جلوی ورود فاشیست‌ها برای مدتی گرفته شد. در مجموع در درگیری‌هایی که عمدتاً بین پلیس و فاشیست‌ها صورت گرفت در شهر نورد هاوزن آلمان شرقی ۱۵۰ فاشیست و در دودراشتاد آلمان غربی، ۴۰ فاشیست دستگیر شدند و تعداد نامعلومی از آبرین پیاده مجروح گشتند.

تقریباً هر روز، نیروهای فاشیست سعی می‌کنند به منظور ایجاد آشوب و ناآرامی در آلمان شرقی، با تشکیل دسته‌های کوچککی از نقاط مرزی دو کشور گذشته و وارد آلمان شرقی شوند و آنجا زرد هم آیند.

نکبانبان مرزی اغلب سعی در جلوگیری از ورود آنها به آلمان شرقی می‌کنند.

اخبار ضد فاشیستی شماره ۱۰ تاریخ ۹۰/۵/۱۱

با توجه به تراکم مطالب در این شماره  
نشریه دنباله مقاله "زن در بارگه"  
اسلام در شماره آینده بچاپ خواهد  
رسید.

بورن هایم Bornheim در حومه بن به آتش کشیده شد که در این آتش‌سوزی ۳ بچه به سنین ۴ تا ۵ ساله و یک بزرگسال دچار جراحت شده و به بیمارستان منتقل گشتند. چند روز قبل از این حادثه، در یکی از حملات فاشیست‌ها به یک هایم پناهندگی در منطقه فوق، یک فرد آفریقائی کشته و ۳ تن از ساکنین هایم شدیدا مجروح شده‌اند.

در منطقه Lehnitz (لهرته) ایالت نیدرزاکسن ( این منطقه یکی از حومه‌های شهر هانوفر است ):

در نیمه شب ۲۰ آوریل، ۳۰۰ تن از فاشیست‌ها به آبرین پیاده و نیز یک کافه ترک‌ها حمله کردند. در مقابل این حمله، نیروهای ضد فاشیست دست به مقاومت زدند.

به برآمدن عملیات تروریستی توسط فاشیست‌ها در نیمه شب ۲۰ آوریل می‌توان همچنان ادامه داد. آنچه که واضح می‌باشد این است که عملیات تروریستی فاشیست‌ها، همه جا در حال شدت گیری است و کسی که بخواهد در این شرایط به پلیس اتکاء کند، هیچ گونه کمکی دریافت نکرده و به حال خود واگذاشته می‌شود. این نکته را همچنین حوادث و اتفاقات کنونی نیز نشان می‌دهد. پلیس اکثراً موقعی دست به دخالت می‌زند که بر علیه عملیات تروریستی فاشیست‌ها، مقاومت ضد فاشیستی شکل می‌گیرد.

لازم به ذکر است که جنبش ضد فاشیستی نیز ساکت نمانده و بخشاً از خود عکس‌العمل نشان داده است. نیروهای ضد فاشیست و خارجی‌ها در شهرهای مختلف آلمان از جمله برلن غربی هامبورگ، کوتینکن، دست به سازماندهی خود در محلات شهر و مدارس، از طریق زنجیر تماس تلفنی، زده‌اند.

( منابع خبر: روزنامه های TAZ، فرانکفورتر زوندشاو، هانوفرشیه آلمانیته و شاهدان عینی در تاریخ ۱۹۹۰/۴/۲۳ )

ترجمه خبر از نشریه اخبار ضد فاشیستی شماره ۱۰، تاریخ ۹۰/۵/۱۱

### نمونه‌ای از خارجی ستیزی در آلمان شرقی

رشد گرایش‌های ناسیونالیستی و خارجی ستیزی نه تنها در جامعه آلمان غربی که در آلمان شرقی نیز متأسفانه دامنه گسترده‌ای به خود گرفته است. روزنامه TAZ ( ۹۰/۴/۲۱ ) - خبری از سفر عده‌ای از جوانان آلمانی و ترک، بین سنین ۱۷ تا ۲۳ ساله از طرف اداره جوانان دویسبورگ آلمان غربی به آلمان شرقی منتشر نموده است که حکایت از این واقعیت تنفر آمیز دارد.

در این سفر جوانان و بخصوص ترک‌ها با بی‌اعتنایی و حتی توهین و ناسزا روبرو می‌گردند، چنانچه به گفته رئیس گروه، اعضای گروه مورد بی‌مهری قرار گرفتند و فضای حاکم چنان از خصام آغشته بوده که آنها همگی از امکان وقوع یک زد و خورد هراس داشتند.

در یکی از خیابانها با خوک خطاب نمودن جوانان ترک بسه آنها توهین می‌کردند. و هنگامی که جوانان تمایل خود را جهت گفتگو با شهروندان آلمان شرقی نشان می‌دهند، به جز چند استثنا

در ائتلاف احتمالی با حزب سبزها، خواهد افتاد.  
لازم به ذکر است که میلا نیز در ایالت نورد راین وستفالن  
(SPD) حکومت را در دست داشت.

نمودارهایی را که در زیر مشاهده می کنید،  
آراء احزاب شرکت کننده در انتخابات  
سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ در این  
دو ایالت را نشان می دهد:

نتایج انتخابات در دو ایالت آلمان غربی  
در روز یکشنبه ۱۳ مه ۱۹۹۰ در دو ایالت آلمان غربی (نورد-  
راین وستفالن و نیدرزاکسن) برای انتخاب نمایندگان مجلس ایالتی انتخاب  
صورت گرفت. در این انتخابات حزب سوسیال دمکرات آلمان در  
هر دو ایالت به اکثریت آراء دست یافت.  
تا قبل از این انتخابات در ایالت نیدرزاکسن حزب دمکرات -  
مسیحی آلمان (CDU) حکومت ایالتی را در ائتلاف با حزب  
لیبرال آلمان (FDP) در اختیار داشت، که با این انتخابات  
حکومت این ایالت بدست حزب سوسیال دمکرات آلمان (SPD)

	رای مجلس ایالتی ۱۹۸۵	رای مجلس ایالتی ۱۹۸۷	رای مجلس ایالتی ۱۹۹۰
افراد دارای حق رای	۱۲۶۹۴۹۸۳	۱۲۸۲۷۶۴۶	۱۳۰۳۷۱۹۷
تعداد رایهای داده شده	۹۵۶۳۱۰۲	۱۰۶۶۵۵۹۶	۹۳۵۵۱۸۶
ارای باطله	۸۳۳۵۹	۸۶۵۰۴	۱۳۲۰۰
درصد شرکت کنندگان	۷۵/۳	۸۵/۴	۷۱/۸
سوسیال دمکرات SPD	۵۲,۱	۴۳,۲	۴۶,۴
دمکرات مسیحی CDU	۳۶,۵	۴۱,۷	۳۴,۱
حزب لیبرال FDP	۶,۰	۸,۴	۵,۲
سبزها Grüne	۴,۶	۷,۵	۵,۳
جمهوری خواهان REP	۰	۰	۰
سابقه	۰,۸	۰,۸	۰,۷

	رای مجلس ایالتی ۱۹۸۷	رای مجلس ایالتی ۱۹۸۹	رای مجلس ایالتی ۱۹۹۰
افراد دارای حق رای	۵۶۲۸۱۰۴	۵۵۸۸۵۹۷	
تعداد رایهای داده شده	۴۷۸۲۹۴۱	۴۳۲۰۳۴۷	
ارای باطله	۴۴۸۵۰	۲۷۲۰۱	
درصد شرکت کنندگان	۸۵/۰	۷۷/۳	۷۴/۹
دمکرات مسیحی CDU	۴۱,۵	۴۴,۳	۴۲,۰
سوسیال دمکرات SPD	۴۱,۴	۴۲,۱	۴۴,۱
سبزها Grüne	۷,۴	۷,۱	۵,۵
لیبرال FDP	۸,۸	۶,۰	۷,۰
حزب جمهوری خواهان REP	-	-	۱,۵
سابقه	۰,۱	۰,۲	۰,۸

GNN Verlag  
Zülpicherstr. 7, 5000 Köln 1

صاحب‌ها با تشکرها، جریانات و نیروهای مترقی و پیشرو (۲)

مصاحبه با Volksfront

همانطور که اطلاع دارید در شماره‌های ۵ و ۶ پویش به ترتیب صاحب‌هایی با ماهانه *Unsere Stimme* و اتحادیه DGB درج شد.

صاحب‌ها حاضر با *Volksfront* نیز در چارچوب همان سلسله صاحب‌ها و با هدف اعلام شده ما مبنی بر شناساندن نظرات، اهداف و فعالیت‌های تشکل‌ها و جریانات پیشرو و مترقی می‌باشد. این صاحب‌ها به طور کتبی صورت گرفته و دوستان *Volksfront* به سوالات ما کتبا پاسخ داده‌اند.

پاسخ‌ها در مجموع بسیار موجز و فشرده هستند و ما بخاطر وفاداری به اصل، به همان شکل آنها را ترجمه نمودیم. البته به جز برخی موارد که برای سهولت درک مطلب، عباراتی در درون (( )) به ترجمه اضافی کرده‌ایم.

\* \* \*

سوال اول - *Volksfront* چه زمانی تأسیس شده است؟  
جواب - *Volksfront* در سال ۱۹۸۰ از دل تشکل اشتراک‌راست‌ها (۱) که برای مبارزات انتخاباتی مجلس سراسری آلمان تأسیس شده بود، بوجود آمد.

سوال دوم - ممکن است به طور خلاصه اهداف آن را توضیح بدید؟  
جواب - مبنای *Volksfront* - *Volksfront* اتحادی است از انسان‌های معتقد ضد فاشیست و دمکرات از همه اقسام ملت ما. *Volksfront* بر علیه ارتجاع، فاشیسم و جنگ و بر علیه آزادی و دمکراسی و صلح مبارزه می‌کند. فاشیسم دیگر هرگز! جنگ دیگر هرگز! این بزرگترین هدف *Volksfront* است. همه فعالیت‌ها بر علیه تضییق و به نفع بسط حقوق دمکراتیک، در خدمت این هدف هستند. بر علیه تبدیل جمهوری فدرال (آلمان) به یک دولت پلیسی. ختم دشمنی با خارجیها. علیه نازیسم قدیم و جدید. الغاء قوانین اضطراری (۲). علیه میلیتاریسم فزاینده. علیه بدتر شدن و برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان.

سوال سوم - شما از چه ملیت‌هایی هستید؟  
جواب - آغوش *Volksfront* برای همه باز است، این امر مطلوب ما است، خارجی‌های منفردی در *Volksfront* عضویت دارند، اکثریت اعضاء تابعیت آلمانی دارند.

سوال چهارم - لطفاً درباره نشریاتتان توضیح بدید.  
جواب - در سطح سراسری هر سه ماه یک بار (( نشریه )) *Volksecho* (( بزواک مردم )) منتشر می‌شود. هر ۱۴ روز یک بار (( نشریه )) *Antifaschistische Nachrichten* (( اخبار ضد فاشیستی )) انتشار می‌یابد. به علاوه تقریباً هر سال دو بار کاتولوگی از آثار ضد فاشیستی منتشر می‌گردد که در آن آثار سازمان‌های دیگر نیز معرفی می‌شوند. آدرس تماس انتشارات:  
Zentraler Vorstand der Volksfront bzw.

*Volksfront* همچنین در (( مباحث )) نشریه سراسری مربوط به بحث حول موضوعات روز، شرکت می‌کند. علاوه بر آن اتحاد‌های ایالتی و گروه‌های محلی *Volksfront* همراه با گروه‌های دیگر، نشریات محلی‌ای را منتشر می‌کنند. به عنوان مثال در استان - نیدرزاکسن در محل‌های زیر: هانوفر، سلسه، هیلدسهایم، Schnervendingen، لونبورگ، Fallingb. - Soltau هارتس.

اعضای خارجی چه در سطح سراسری و چه در سطح محلی، در امر پدید آوردن نشریه یعنی نگارش و انتشار آن، شرکت دارند.

سوال پنجم - در حال حاضر مرکز ثقل کارهای محلی شما چیست؟  
جواب - آخرین کنفرانس سراسری (( *Volksfront* )) در - اکتبر ۱۹۸۹ تصمیمات زیر را اتخاذ نمود:

- قرار دادن مرکز ثقل تعیین کننده، در برخورد با و مبارزه به منظور حق انتخابات شهرداری‌ها برای اهالی ملیت‌های خارجی در جمهوری فدرال آلمان و برلین غربی.

- هدایت کمیته بر علیه شونیسم و ناسیونالیسم آلمان بزرگ، علیه سیاست تهاجم به اروپای شرقی و سیاست الحاق طلبی در مورد آلمان شرقی، با حواست به رسمیت شناختن حقوق مردم آلمان شرقی و به رسمیت شناختن مرزهای لهستان و شوروی.

- *Volksfront* (( به امر )) موفقیت در مبارزه بر علیه غیر قانونی کردن سازمان‌های کرد به منزله یک موفقیت قاطع در مبارزه بر علیه غیر قانونی کردن هر نوع جنبش انقلابی و ضد فاشیستی در جمهوری فدرال آلمان و مبارزه علیه امپریالیسم جمهوری فدرال آلمان به مثابه ژاندارم جهان، می‌نگرد.

- مبارزه با سازمان‌های فاشیستی و پشتیبانی دولتی از آن.

هدف (( *Volksfront* )) نظر به انتخابات مجلس سراسری آلمان ۴ مبارزه با سازمان‌های پابی‌های دیگر فاشیستی، گسترش آگاهی ضد فاشیستی، کمین انتقاد از برنامه فاشیست‌ها، بهره برداری از انتخابات مجلس سراسری آلمان برای پیشرفت مبارزه علیه سیاست ارتجاعی و فاشیستی (( نسبت به )) خارجیها، علیه ناسیونالیسم و برای به رسمیت شناختن نتایج جنگ جهانی دوم.

پیشبرد فعالیت با همکاری سایر گروه‌ها، (( در زمینه )) آموزش، کرد هم‌آیی، و تعلیم ضد فاشیستی.

سوال ششم - چه تاسرها و روابطی با سایر تشکل‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها برقرار نموده‌اید؟

جواب - در ایجاد نشریات ذکر شده در (( پاسخ به سوال )) ۴، همکاری صورت می‌گیرد. به علاوه در سطوح سراسری، ایالتی و محلی با گروه‌های آلمانی و خارجی گوناگونی در همه عرصه‌ها (زندگی، کار، مدرسه، دانشگاه و غیره) همکاری وجود دارد. تاسرهای مداومی درباره فعالیت‌های (( مختلف )) مثلاً کفرانسر ضد فاشیستی نیدرزاکسن، درباره اتحاد عمل‌ها، درباره همکاری با گروه‌های گوناگون خارجی و آلمانی وجود دارد.

سوال هفتم - آیا علاوه بر پاسخ‌های فوق، صحبت دیگری

پیرامون جلسه آقای گلشیری - بیچاره فردوسی طوسی \*

عصر روز جمعه\*، ما جمعی از ایرانیان مقیم شهر هانوفر آلمان غربی، برای استماع سخنرانی آقای هوشنگ گلشیری نویسنده، وارد سالن دانشگاه شدیم. ولی برخلاف ذنیت قبلیمان، با نویسنده ای موثر، که نوشته ها و یا آموخته هایش را مورد ارزیابی و شناسائی قرار دهد روبرو نشدیم بل با دوستی همه فن حریف مواجه شدیم که خیال میکرد علم اول و آخر است و عالم به تمام علوم و علاوه بر اینها قاضی القضاات شهر هم نیز هست.

آقای گلشیری به جای کنکاش در فن نویسندگی، همه چیز و همه کس را به قضاوت نشست. دوست نویسنده همه فن حریف ما، حتی از حوزه شعر و غزل و ادب هم پا را فراتر گذاشت. و در - عرصه تئاتر و کارگردانی و سینما هم، نظر داد و افراد را داوری نمود. لب مطلب اینکه ایشان فقط از الکترونیک صحبت نکردند و از فیزیک اتمی، البته چرا نکند؟ مگر نه اینست که از نظر فلاسفه پدیده ها در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند. اله و اعلم.

همچنین آقای گلشیری معتقدند که: صد بهرینگی نقشی در ارتباط با ادبیات کودکان ایفا نکرده و داستانهای کودکانش، از جمله (( ماهی سیاه کوچولو )) برای آدمهای چهل ساله قابل فهم است.

شاید نویسنده عزیز ما حواسش جمع و جور نبود آن شب، و گرنه کیست که نداند در لابلای داستان ماهی سیاه کوچولو، سرگذشت دیگر و درسی دیگر است برای بزرگترها و قسه، قسه ای است برای بچه ها!

هرگز صد بهرینگی نمی خواهد به کودک چنین بفهماند که مثلا: قوریغه سر سلسله ذو حیاتین است و مظهر خصلت دوگانه خرده بورژوازی، با دست پهن زننده و با پایش کشنده، نه، همچو چیزی نیست، قوریغه همان قوریغه است و ماهی سیاه کوچولو،

مصاحبه با Volksfront

خوانندگان پویش دارید؟

چوآب - همانطور که در پاسخ های فوق توضیح داده شد، - Volksfront علاقمند به اشتراک سازی با همه گروههای سیاسی است که در رابطه با ضامینی که در بالا به طور خلاصه توصیف شد، کار می کنند. در این رابطه Volksfront هیچ گونه حق رهبری (( برای خود )) قائل نیست بلکه مایل است همه حقوق را رعایت کند و طرفدار همگاری مستقل و مساوی الحقوق می باشد.

در کنگره قبلی این تصمیم اتخاذ شد که صالح متنوع اعضا به بهترین وجه نه توسط هیئت رئیسه بلکه به توسط خود اعضا نمایندگی می شود. تمامی وزن فعالیت سازمان با یستی بر حفظ و گسترش فعالیت مستقل گروههای محلی، اعضای منفرد و اتحادهای ایالتی قرار داده شود و همراه با آن همچنین از سازماندهی ضد فاشیستی (( کسانی که )) اعضای Volksfront نیستند حمایت و پشتیبانی گردد.

ماهی ریزیت که مطابق معمول داستان نویسی، می خواهد برود ببیند ته جویبار کجاست، این کجایش اشکال دارد که کودک درک نمی کند والله نمی دانیم.

باز هم آقای گلشیری برای پژواک گسترده تر صدایش، بد ندا - نست کنکاشی کند در کتابهای صد، و جمله ای را بیاید کسه (( کتابهای من بدرد کودکان سوار بر ماشین بنز فسی خورد )) و فروتنانه می گوید: مگر اشکال دارد که این کودکان هم کتابهای شما را بخوانند. می بینی، قلب کردن مفاهیم را می بینی.

شکل مار و نوشته مار که یادمان می آید. آی مردم کدام مارا! ولی جماعتی که شما با آنها سخن می گفتم، مردم روستای بهمان آباد نیستند که شکل مار را از نوشته تمیز ندند، نه، جناب گلشیری، صد هرگز نکته کتابهایم را این گونه کودکان نخوانند بلکه مسئله، ترسم درد و رنج کودک چو پانی است که خیال می کند پدرش با آن داستان کیره بسته اگر پشت فرمان ماشین هم بنشیند محال است ماشین از جای کنده شود.

و محض اطلاع بیشتر و بهتر، حواله تان می دهم به آقای دولت آبادی که ازش پرسیدند - چرا از روستاها و مردم بدبخت سخن می گویی و چنین پاسخ آورد که از کوزه برون همان تراود که در اوست. البته آقای گلشیری مختارند که هر چه دلشان می خواهد بگویند و بنویسند، خوب چه می شود کرد.

روزگار است و روزگار هم ندارد است. شاید نه تصویر ما باشد و نه تصویر آقای گلشیری، تصویر، تصویر آب است. آب بی پدر، که دارد سر بالا می رود و گرنه آقای گلشیری هم هرگز در مایه ماهور نمی نواخت.

۲۰ آوریل ۱۹۹۰

الف - نوروزی  
۷/۵/۹۰



توضیحات ماهنامه پویش:

۱- هدف از فعالیت تشکلی " اشتراوس را سد کنید "، مبارزه با گرایش سیاسی ای بود که اشتراوس رهبر حزب دست راستی CSU - در آن سالها آن را نمایندگی می کرد.

۲- قوانین اضطراری ( Notstandsgesetze ) قوانینی هستند که در سال ۱۹۶۸ در آلمان غربی به تصویب رسید مانند بر مبنای این قوانین، دولت حق دارد به هنگام " ناآرامی های داخلی " و یا فاجعه های طبیعی از قبیل سیل، طوفان و غیره، حقوق پایهای انسانها را به طور گسترده محدود نموده، موقعیت خود را تقویت کند و قوای نظامی را برای مقابله با ناآرامی های داخلی به کار گیرد.



گزارش تأسیس تشکیلات سراسری ضد نژاد پرستی

که درد و آلمان زندگی می‌کنند، اعضای مساوی الحقوق آن باشند. پ - حقوق مساوی برای همه کسانی که در آلمان زندگی می‌کنند و حق داشتن تابعیت مضاعف برای مهاجرین .

ت - هر نوع تبعیض نژادی، جنسی، مذهبی و ملی بر خلاف اصل مساوی حقوق انسانها است .

ث - حق پناهندگی به هیچ وجه نباید محدود شود . قوانین تا کنونی نظیر سلب حق کار و غیره برای پناهندگان می‌بایست ملغی شود و استرداد پناهندگان می‌بایست خاتمه یابد .

ج - مبارزه سیاسی به منظور کسب حقوق مساوی برای مهاجرین و پناهندگان و به کرسی نشاندن حواسته‌های ایشان نباید بسه حکومت و یا تشکلهای احزاب و موسسات خیریه واگذار شود . تنها در صورتی وضعیت تخمیر می‌کند که خود مهاجرین و پناهندگان نیز برای تحقق حواسته‌های خویش فعال گردند . به این منظور آنها به حق داشتن یک نمایندگی سیاسی و امکانی برای توضیح نظرات و عملکردهای خود در افکار عمومی نیاز دارند . هدف SOS - Rassismus تحقق این امور است .

چ - SOS - Rassismus جنبشی است که در درون مهاجرین و پناهندگان و آلمانی‌ها مشترکاً مبارزه و فعالیت می‌کند .

ح - SOS - Rassismus فراحزبی است و روابط درونی اش مبتنی بر اعمال دینارسی از پایین می‌باشد .

د - زمینه بانی تشکیلاتی، بر این تأکید شد که اعضای SOS - Rassismus می‌توانند افراد منفرد، تشکلهای و جریانهای محلی و سازمانهای سراسری باشند و همه سازمانهایی که در این تشکل شرکت دارند استقلال خودشان را حفظ خواهند کرد . همچنین مقرر شد که تا هنگام برگزاری کنگره سراسری SOS - Rassismus در نوامبر همین سال، از همه حاضرین که مایل به همکاری بودند کمیته موقتی تشکیل گردد که در آن بروی طرح نهایی تشکیلات SOS - Rassismus کار شود .

علاوه بر آن، برای انجام وظایف جاری و برقراری ارتباطات لازم، دفتری متشکل از تعدادی از حاضرین که در فرانکفورت اقامت دارند، بوجود آمد .

برای تأمین مالی SOS - Rassismus نیز پیشنهاد شد که علاوه بر استفاده از امکانات مالی (از قبیل کمک برخی از موسسات و احزاب از پروژه‌های معین، جمع‌آوری کمک مالی و عایدی حاصل از جشنها و گرد همایی‌های خود SOS - Rassismus)، هر یک از اعضا نیز به ترتیب زیر حق عضویت بپردازند .

افراد منفرد : ماهانه ۲/۵ تا ۴ مارک .

نمایندگان تشکلهای و جریانهای محلی (مثلاً در یک شهر یا منطقه) فعالیت می‌کنند : ماهانه ۸ تا ۱۲/۵ مارک .

نمایندگان سازمانهای سراسری : ماهانه ۲۵ تا ۴۲ مارک .

علاوه بر آن پیشنهاد بوجود آوردن یک نشریه ماهانه سراسری داده شد که در آن نظرات مختلف در مورد فعالیت ضد نژاد پرست-

نه، اخبار مربوط به مبارزات پناهندگان و مهاجرین و مبارزات ضد نژاد پرستی انتشار یابد .

د - زمینه آکسیون‌های سال ۱۹۹۰ نیز مقرر گردید که در تمامی شهرها میزهای اطلاعاتی سازمان داده شود که در آنها حقوق و خواسته‌های پناهندگان و مهاجرین به بحث گذاشته شود .

علاوه بر آن پارلمانی از مهاجرین و پناهندگان تشکیل شود که وظیفه آن تدوین ماده‌ای از قانون اساسی جدید آلمان باشد که در آن حقوق مهاجرین و پناهندگان تضمین گردد . و در دسامبر این ماده صوب پارلمان، به رأی مهاجرین و پناهندگان گذاشته شود و تصویب گردد .

هدف از تشکیل پارلمان و به رأی گذاشتن صوابع آن، بردن این اندیشه در درون افکار عمومی و همچنین در صفوف خود مهاجرین و پناهندگان است که می‌بایستی مهاجرین و پناهندگان از این حالت پسیو و منفعل بیرون آمده و خواسته‌ها و آلترناتیو خویش را تدوین نموده و در برابر جامعه قرار دهند . همچنین قرار است جشنی متعلق به مهاجرین و پناهندگان برگزار شود .

علاوه بر فعالیت‌های فوق می‌بایست با آکسیون‌های جریانهای اجتماعی دیگر نیز همکاری‌های نزدیکی برقرار نمود . از جمله تاریخ‌های زیر می‌بایست مد نظر داشت :

- هفته شهروندان خارجی ( سپتامبر )
- روز پناهندگان ( اکتبر )
- تصمیم گیری دادگاه قانون اساسی درباره حق شرکت در انتخابات شهرداریها ( اکتبر )
- هفته صلح که از جانب کلیساها برگزار می‌شود ( نوامبر )
- آکسیون‌های اتحادیه DGB برای حق شرکت در انتخابات شهرداریها ( نوامبر )
- انتخابات مجلس سراسری ( دسامبر )

پس از تصویب کلیات طرح‌های فوق، در هر سه زمینه مذکور پیشنهادات دیگری نیز از جانب حاضرین، در جهت تصحیح و تکمیل طرح‌های اولیه ارائه شد که با توجه به کمبود وقت، وظیفه بررسی و وارد کردن این پیشنهادات در طرح‌ها، به یک کمیسیون محول گردید .

نماینده کمیته هیستکی با مبارزات مردم ایران نیز به اتفاسق نماینده تشکل زنان سیاه پوست آلمانی و نمایندگان شوراهای پناهندگان ایرانی در کاسل و کین انضمام سه خواسته زیر را در ضرسر بیانی سیاسی SOS - Rassismus پیشنهاد کردند :

- ۱ - الغاء هر نوع قانون گذاری جداگانه برای خارجیها و هر نوع قانون خارجیها و تحقق حقوق مساوی برای همه انسانها .
- ۲ - موضوعیت فعالیت همه تشکلهای احزاب نژاد پرست .





**نامه های رسیده**

دوستان و رفقای متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی - پاکستان؛ نامه، اعلامیه ها و هم چنین نشریه "پیام شورا" شما بدستمان رسید. از لطف شما بسیار سپاسگذاریم. ما نیز تاکنون نامه هایی به همراه شماره های نشریه پویش به آدرس های شما پست کردیم که امیدواریم بدست شما رسیده باشند.

رفقای عزیز متشکل در سازمان دانشجویان ایرانی - هلند؛ کارت تبریک شما را به مناسبت فرا رسیدن سال نو دریافت داشتیم. از لطف شما متشکریم. لطفاً ما را از دریافت نشریات ارسالی کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران با اطلاع گردانید.

رفقا و مسئولین نشریه "ستاره شرق"، نشریه شما را دریافت داشتیم. ضمن استقبال از عمل اصولی تان آرزو مندیم در جهت اهداقتان موفق و پیروز باشید.

دوست عزیز آزاده: خبرهایی که در رابطه با تظاهرات پس برایمان فرستاده بودید و همچنین ترجمه اخبارتان به زبان آلمانی را دریافت داشتیم، از همکاری و همیاریتان فوق العاده سپاسگزاریم.

دوستان عزیز متشکل در کانون پناهندگان ایرانی - سوئیس؛ تدای پناهنده شماره ۹، نشریه شما را دریافت داشتیم از لطف شما متشکریم. لطفاً ما را از رسیدن نشریات ارسالی کمیته به آدرستان با اطلاع گردانید.

دوستان عزیز متشکل در فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان غربی؛ نشریه هم آهنگ شماره ۳ را دریافت داشتیم. از لطف شما متشکریم. لطفاً ما را از رسیدن نشریات ارسالی کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران به آدرستان با اطلاع گردانید.

دوست عزیز بهروز - ب نامه شما در زمانی که پویش زیر حاد بود بدستمان رسید. از لطف شما سپاسگزاریم. ما در صورت لزوم و در موقعیت مناسب از مطالبی که فرستاده اید استفاده خواهیم کرد.



**با پویش همکاری کنید**

**تصحیح و پوزش**

پس از انتشار شماره ۶ "پویش" متوجه شدیم که غلط چاپی با افتادگی در آن راه یافته است.

پس پوزش، از خوانندگان عزیز می خواهیم که اغلاط زیر را در آن شماره اصلاح کنند.

در شماره ۶: سابقه ترین جنگ خیابانی طی یک سال اخیر در انگلستان

در شماره ۶: سابقه ترین جنگ خیابانی طی یک قرن اخیر در انگلستان

در صفحه ۱۷ خبر مربوط به "گسترش کم سابقه درگیری های رژیم با نیروهای محلی در بلوچستان" یک جمله از پاراگراف سوم با افتاده که بدین نحو اصلاح می گردد:

در هفته های اول فروردین ماه نیز در یک درگیری بین نیروهای ژاندارمری رژیم و عشایر بلوچستان در جاده زاهدان - بم، ۱۰ تن از مزدوران دولتی و از جمله ۲ سرهنگ ژاندارمری به هلاکت رسیدند. در پی این حادثه مزدوران رژیم با محاصره - جنگجویان بلوچ، ۴ تن از آنها را کشته و ۵ نفر دیگر را نیز دستگیر کردند.

**گزارش تأسیس تشکیلات سراسری ضد نژاد پرستی**

۱- تصویب قوانین ویژه برای حفاظت از زنان خارجی که در بسیاری زمینه ها تحت ستم قرار دارند.

۲- سرانجام گرد همایی در ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۰ می به کار خود پایان داد.

خبر برگزاری این گرد همایی در روزنامه های "فرانکفورتر روندشائو" و "فرانکفورتر آلگمانیه" مورخ ۳ می و چکیدهای از مباحث و مصوبات این گرد همایی در روزنامه فرانکفورتر روندشائو مورخ ۷ می درج شده است.

برگزاری این جلسات، فعالیت های عملی که طی چند ماه آینده در نظر گرفته شده و تدابیر اولیه کنگره SOS-Rassismus به نحوی که حتی الامکان تعداد زیادی از تشکلهای افراد علاقمند از سراسر آلمان در آن کنگره شرکت فعال داشته باشند، می تواند گامهایی در جهت تقویت جنبش مهاجرین و پناهندگان و پدید آمدن ارتباطات و روابط پایدار در درون تشکلهای و جریانهای فعال در این جنبش باشد.



گزارش تأسیس تشکیلات سراسری ضد نژاد پرستی

دوخته بود و معتقد بود که می‌بایست خواسته‌های ما به کونکهای باشد که بتوان نیروهایسی از این احزاب را جذب کرد. این کرایش به عنوان مثال خواستار تدوین يك آئیناتیو برای قانون خارجیها موجود بود. کرایش دوم بر ضرورت تدوین خواسته‌های مستقل پناهندگان و مهاجرین تاکید می‌کرد و وابسته نمودن جنبش پناهندگان و مهاجرین به مصالح سیاسی این یا آن حزب و جریان را نادرست می‌دانست. در همین راستا کرایش اخیر نه خواستار يك آئیناتیو برای قانون خارجیهای موجود، بلکه خواهان لغو هر گونه قانونی برای خارجیها و کسب حقوق مساوی برای همه انسانهای که در این سرزمین زندگی می‌کنند بود.

پس از این سخنرانیها، سه گروه مباحثات تشکیل شد و در هر يك از این گروهها یکی از موضوعات زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

- ۱- مانی سیاسی SOS-Rassismus
- ۲- مانی تشکیلاتی SOS-Rassismus
- ۳- آکسیون های SOS-Rassismus می‌بایست در طی سال ۱۹۹۰ انجام دهد.

در هر سه زمینه فوق طرح‌های پیشنهادی برگزارکنندگان گرد همای به عنوان مبنای مباحثات قرار گرفت و این طرح‌ها تصحیح و تکمیل گردید.

صبح روز یکشنبه، هر يك از گروهها، نتایج مباحثات خود را به مجمع عمومی گزارش دادند و این نتایج در مجمع عمومی به بحث گذاشته شد و کلیات آن به شرح زیر به تصویب رسید.

در زمینه مانی سیاسی، از جمله نکات زیر مورد تصویب و تاکید قرار گرفت:

- الف- ایجاد اروپای متحد در سال ۱۹۹۲ و اتحاد دو آلمان وضعیت سیاسی موجود را در گزین می‌کند. پروژه اتحاد دو آلمان نه تنها برای مردم کشورهای اروپایی دیگر بویژه برای مهاجرین و پناهندگانی که در اینجا زندگی می‌کنند، اهمیت دارد.
- ب- ما خواهان تدوین يك قانون اساسی دموکراتیک برای همه شهروندانی که در آلمان زندگی می‌کنند، هستیم. این قانون اساسی می‌بایست امکانی پدید آورد که همه انسانهایسی

۴

در روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ مای در فرانکفورت یک گرد همایی با شرکت بیش از ۴۰ تن از نمایندگان تشکیلهای مهاجرین و پناهندگان و نهادها و جریانات ضد نژاد پرست آلمانی و همچنین افراد علاقمند، با هدف ایجاد ارتباطات و تشکیلات پایدار و برنامه ریزی اقدامات عملی و فعال برای به کرسی نشاندن خواسته‌ها و حقوق مهاجرین و پناهندگان تشکیل شد.

در مباحثات مربوط به تأسیس يك تشکیلات سراسری ضد نژاد پرستی (SOS-Rassismus) نمایندگان ۲۷ تشکیلهای جریان و نهاد متعلق به ملیت های کوناگون از ۱۷ شهر آلمان حضور داشتند. نمایندگان تشکیلهای از جمله از ملیت های ترک، کرد، ایرانی، یونانی، تامیل، کولی‌های آلمان، اسپانیایی و آلمانی تشکیل می‌شدند که از فرانکفورت، برمن، هانوفر، هسن، کیسن، برلین غربی، آلمان شرقی و ۰۰۰ به گرد هم آیی آمده بودند.

در میان شرکت کنندگان، نمایندگان اتحادیه فلز (IG-Metall)، جوانان اتحادیه DGB، حزب سبزها، حزب سبزه‌های آلمان شرقی، اتحاد کولی‌های آلمان، اتحاد مهاجرین ترک و اتحاد یونانی‌ها حضور داشتند. یکی از رفقای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران نیز در این گرد همایی شرکت داشت.

علاوه بر آن چند تشکیلهای و جریان دیگر نیز که امکان شرکت در این جلسات را نداشتند، پیامهای همبستگی و پشتیبانی خود را ارسال نموده و آمادگسی خود را برای همکاری با این تشکیلات سراسری اعلام کردند.

گرد هم آیی کار خود را با ارائه تاریخچه کوتاهی از فعالیتها می که در جهت بوجود آمدن زمینه برای تشکیل SOS-Rassismus صورت گرفته آغاز کرد و پس از آن چند سخنرانی کوتاه در ساره ضرورت فعالیت تشکیلهای همبستگی و هدفتند در جهت کسب حق شهروندی مهاجرین و پناهندگان، ضرورت فرموله کردن خواسته‌های اثباتی مهاجرین و پناهندگان، تقویت و تحکیم جنبش ضد نژاد پرستی و ۰۰۰ ایراد شد.

این سخنرانی‌ها بیشتر جنبه تهییجی داشتند اما از همان آغاز دو کرایش در آنها قابل تشخیص بود. یکی کرایشی که بیشتر چشم امید به احزابی نظیر سوسیال دموکراتها (SPD) و سبزها

برای تماس با کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران می‌توانید روزهای سدشبه هر هفته از ساعت ۱۵ تا ۱۸ با شماره تلفن ۷۰۳۹۱۳ تماس بگیرید. کد آلمان: ۰۰۴۹ کد هانوفر: ۰۵۱۱

آدرس تماس:  
Post lagerkarte  
Nr: 053249 C  
3000 Hannover 1  
W - Germany

شماره حساب بانکی  
Solidaritätsverein  
mit iranischen Voelkern  
Stadtsparkasse Hannover  
KTO: 501336  
BLZ: 25050180  
W - Germany